

وظیفه همه نیروهای انقلابی و  
مترقی مبارزه در راه بازگشائی  
دانشگاههاست



سه شنبه اول مهر ۱۳۵۹

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

شماره دوم - شماره ۷۷

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۶ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

سرمقاله

سال تحصیلی  
جدید و مسأله  
بازگشائی  
دانشگاهها

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می‌گردد که نه تنها تغییری اساسی در نظام آموزشی گذشته داده نشده است، بلکه چه از جهت رتبه‌ها و سیستم ارتجعی گذشته حفظ شده و علاوه بر محدودیتها و تضییقاتی که برای نیروهای انقلابی و مترقی پدید آورده اند، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور همچنان تعطیل اند.

در بیگسالی که گذشت هیئت حاکمه سه بیرونی از مجموعه سیاستهای ضد مکرانیک خود در همه زمینه‌های اجتماعی، نهادهای آموزشی را مورد تاخت و تاز و بربودن قرار داد.

در مدارس محدودیت‌های متعددی بر سر راه فعالیت‌های سیاسی و صنفی دانش آموزان پدید آمد، اخراج معلمان انقلابی و آگاه که نقش بس‌ارزنده در بیداری و آگاهی دانش آموزان و مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم مزدور شاه ایفا کرده بودند، بجرم مبارز بودن و داشتن تمایلات شریکخواهانه از مدارس آغاز شد.

سیاست تفتیش عقاید و اختناق فکری که از خصوصیات رژیمهای ارتجاعی است، به مرحله عمل درآمد. در دانشگاهها که با خاطر مقاومت و آگاهی دانشجویان، رژیم جمهوری اسلامی نتوانسته بود با شیوه‌های عوامفریبانه برنامه‌های خود را عملی کند، به قهر ضد انقلابی‌گریا متوسل شد. دانشجویان مبارزان دانشگاه را در اردیبهشت ماه بگلوله بست و بدنهای آن دانشگاهها را تعطیل کرد. تعدادی از بقیه در صفحه ۲

• جنگ دولتهای ایران و عراق

از نظر توده‌های زحمتکش هردو کشور محکوم است

این کشور است، سیاستهای توسعه طلبانه و تجاوزکارانه خود را در خدمت منافع این طبقه و امپریالیسم جهانی اعمال می‌کند. رژیم عراق دشمن آشکار خلق این کشور، دشمن توده‌های زحمتکش عراق، کردهای تحت ستم این کشور و تمام نیروهای انقلابی است. بقیه در صفحه ۲

وابسته و امپریالیسم جهانی. دولتهای ایران و عراق که اکنون به یک جنگ گسترده علیه یکدیگر متوسل شده‌اند هر دو دولتهای ضد مردمی هستند که توده‌های زحمتکش ایران و عراق را سرکوب می‌کنند. دولت عراق که نماینده سرمایه داران وابسته

در چند روز اخیر سرخوردن‌های مرزی بین دولتهای ایران و عراق و نیز جنگ تبلیغاتی آن‌ها علیه یکدیگر باعث تازه‌ای خود گرفت. جنگ دولتهای ایران و عراق، جنگی است معابر منافع توده‌های زحمتکش هردو کشور، جنگی است در خدمت منافع استثمارگران و غارتگران سرمایه داران

• علیه اپورتونیسیم  
در هیئت حاکمه  
فدائیان لیستی

در صفحه ۵

تعطیل دانشگاهها به نفع  
امپریالیسم و ضد انقلاب است.

در بهار ۱۳۵۸ کار دانشگاهها در رژیم جمهوری اسلامی آغاز شد. دولت موقت، بانگرانی و تردید، تحت فشار دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی و مترقی به گشایش دانشگاهها تن داد. البته بازرگان و کاپیته‌هاش به هیچ وجه با راه افتادن دانشگاهها به روال گذشته مایل به اصلاحاتی که در آن شرایط اجتناب ناپذیر می‌نمود، مخالفتی نداشتند. دولت موقت، که از آغاز، کمر همت به بازسازی اقتصاد وابسته، بسته بود، ضرورت ادامه کار دانشگاهها را به شکل گذشته خوب درک میکرد. اما دولتی که "بازار خواسته بود" و با وحشت سیلی عظیم و خروشان رابه چشم دید نبود نمی‌توانست در مورد یکی از چشمه‌های این سیل نگران و بیمناک نباشد. اصولاً خصلت دوگانگان دانشگاههای ما، خصلتی که از یک سو وجود شراب برای تداوم نظام سرمایه‌داری و وابسته‌نمیزی میسر از سوی دیگر آن رابه کانون مبارزات ضد امپریالیستی و مکرانیک تبدیل میکند، همواره برای بورژوازی وابسته مشکل بزرگی بوجود آورده است. بقیه در صفحه ۳

• سیاستهای  
سرکوبگرانه  
هیئت حاکمه رادر  
کردستان افشاء کنیم

هر روز که می‌گذرد رژیم جمهوری اسلامی عربی‌تر و آشکارتر از گذشته به سرکوب قهرآمیز توده‌های مردم روی می‌آورد. طی هفته‌های گذشته، نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی، ارتش و سپاه سداران حملات گسترده‌ای را از زمین و هوا علیه خلق کرد آغاز کردند. رژیم جمهوری اسلامی که از همان آغاز حیات خود دشمنی آشکار با خلقهای سراسر ایران با ثبات رساننده است در برابر مقاومت دلاوران خلق کرد از هیچ جنایتی فروگذار نکرد، روستاها را ویران نمود، دست به قتل عام و نا بودی جمعی زحمتکشان در قارنقا و قلاتان زد، بقیه در صفحه ۲

• اپورتونیسیم  
و قانون کار پیشنهادی  
کنگره شوراهای اسلامی

پیام  
سازمان چریکهای فدائی خلق  
ایران به دانش آموزان مبارز  
سراسر ایران

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

# سیاست‌های سرکوبگرانه هیأت حاکمه...

بقیماز صفحه ۱

شهرهای کردستان را از زمین و هوا زیر آتش گرفتند. فرزندان شهرها را نخلت کرد را دسته بسته بخوخته اعدام سرد. اما علی‌رغم تمام می سیاست‌های سرکوبگرانه خود نتوانست خلیسای دربار را زهره قهرمانا نه خایق کردیدید آورد. امروز نیز خلق کرد استوار تر و بیگتر از همیشه به مبارزه خود بمنتظر رسیدن به خواست های برحق و عادلانه خود ادامه میدهد.

هیئت حاکمه که بکرات بی شمر بودن سیاست سرکوب را در کردستان قهرمان تجربه کرده است و در عمل دیده است که نمیتوان با سرکوب قهر آمیز توده‌ها را آرام کرد. با زهم ز شکست‌های خود در کردستان درس نگرفته و همچنان به سیاست سرکوب قهر آمیز توده‌ها ادامه میدهد. با نزدیک شدن فصل زمستان هیئت حاکمه آخرین تلاشهای مذبحخانه خود را برای سرکوب خلق کرد آغاز کرده است. نیروهای سرکوب هر چه بیشتری را به کردستان محمیل داشته و منطقه را کاملاً منظمی کرده است تا بخیال خود اسرکوب نظامی گسترده تر سواضع خود را در شهرها مستحکم کند.

رژیم جمهوری اسلامی جور میکند که با در دست داشتن شهرها و سرکوب سترده تر، نمیتواند در مبارزه دلاورانه خلق کرد ملی ایجا دکنند. ماخلق در بکرات نشان داده است که نه تسخیر شهرها و نه بمباران‌های هوایی هیچیک نمیتوانند ما را در جهت مبارزه و بساری رسیدن بس حقوق حقا ش باشد.

نیروهای سرکوب جمهوری

# جنگ دولتهای ایران و عراق...

بقیماز صفحه ۱

این رژیم فاقد هرگونه پایگای در میان توده‌های زحمتکش عراق است. رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز که از منافع سرمایه‌داران وابسته ایران دفاع می‌کند، دشمن توده‌های زحمتکش ایران است و هم‌اکنون در حالی که با دولت عراق در حال جنگ است، توده‌های زحمتکش کرد را از زمین و هوا مورد حمله قرار داده، دانشگاه‌ها را تعطیل کرده است، نیروهای انقلابی و مترقی را سرکوب می‌کند و مانع فعالیت‌های علنی آنهاست.

رژیم جمهوری اسلامی نیز از آنجا نیکه بنوده‌ها اعتقادی ندارد و با آنها بی‌اعتماد است، بمنظور مقابله با تحولات و توسعه طلبیهای رژیم عراق به تقویت روابط خود با ارکان ضد خلقی خود نظیر ارتش و سپاه پاسداران می‌پردازد. درست بخاطر همین عدم اعتمادش به توده‌های مردم است که از بازگور کردن حقایق جنگ دو طرف نیز وحشت دارد و در حالی که رژیم

وابسته و ضد خلقی عراق باره‌ای ز مناطق مرزی نزدیک به قصر شیرین را با اشغال خود در آورده است. ارتش ضد خلقی را به سرکوب توده‌های زحمتکش کرد گسیل داشته است. واقعیت اینست که ارگانهای ضد خلقی جمهوری اسلامی نظیر ارتش و سپاه پاسداران و توجیه طلبیهای دولت عراق را بگیرند، تنش‌های مسلح و قبل از همه توده‌های زحمتکش کردند که قادرند در مقابل هر دولت تجار و زکاتاری بایستند و یوزده آنرا بچاک بمانند.

# سال تحصیلی جدید و ... بقیماز صفحه ۱

بودنشان از دانشگاهها اخراج نموده و این همه در شرایطی است که رژیم جمهوری اسلامی در عمل نتوانسته است به نیازها و خواسته‌های برحق توده‌ها پاسخ گوید و بدین لحاظ با سرعت با ورنکردنی‌ها یکا توده‌های خویش را از دست میدهد. تا ریح مکرر نشان داده است که هرگاه رژیمهای ضد انقلابی حاکم در برابر رشد روز افزون مبارزات توده‌ها قرا ر گرفته و سیاست سرکوب عنان گسیخته و بی‌ایمال نمودن ابتدائی حقوق توده مردم را در پیش گرفته‌اند، سرکوب و تعطیل دانشگاهها و مدارس، تعقیب، آزار و اخراج معلمین، محصلین، استادان و دانشجویان مبارزان در سر لوجه بر نامه‌های ضد انقلابی خود قرار داده‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی نیز که در عمل راه دفاع از منافع سرمایه‌داران و سیستم سرمایه‌داری و وابسته را پیشه کرده و هر روز سیاستهای ضد انقلابی خود را عمیق‌تر و بی‌مرحله عمل در آورده است، از یک جنبه سیاستی تبعیت نموده و تعطیل دانشگاهها نیز در این رابطه صورت گرفته است. رژیم که از آگاهی و بیداری توده‌ها وورش شد مبارزات آنها وحشت دارد، رژیم که از فعالیتهای افشاگرانه و آگاه‌گرانه دانشجویان علیه نیروهای سرسپرده و ارتجاعی، علیه امپریالیسم بر خود می‌لرزد، رژیمی که سلب حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی و سرکوب قهر آمیز توده‌ها را در دستور کار خود قرار داده و سعی در مهار کردن جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران دارد، چگونه میتواند

اجازه دهد که دانشگاهها بمثابه سنگ مرز آزادی و یکی از مراکز فعالیت نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست با ربا شد؟ چگونه ممکن است که رژیم بورژوازی جمهوری اسلامی اجازه دهد، دانش‌آموزان، معلمین، دانشجویان و استادان مبارز، دانشگاهها و مدارس را به آموزشگاه مبارزات سیاسی و ضد امپریالیستی تبدیل کنند؟ چگونه ممکن است که کمونیست‌های این مدافعین توده‌های زحمتکش و بیگترین مبارزان ضد امپریالیست و نیروهای اخلاقی دیگر اجازه دهد که مدارس و دانشگاهها را در مبارزه علیه امپریالیسم و دزد جهت منافع توده‌های زحمتکش رهبری کنند؟

ماهیت رژیم جمهوری اسلامی با چنین خواسته‌هایی در تضاد است و چنین چیزهایی را ایجاب نمی‌کند. از همین روست که هیئت حاکمه دانشگاهها را تعطیل میکند، دانشجویان را بگلوله می‌بندد، معلمین آگاه و انقلابی را اخراج می‌نماید و دزد آموزش و پرورش را اختناق و تعقیب می‌کند. برای می‌اندازد. هیئت حاکمه در سال تحصیلی جدید نیز که با رشد مبارزات توده‌های مردم روبرو خواهد بود، باز هم سیاستهای ضد دمکراتیک خود را تشدید خواهد کرد. اما توده‌های زحمتکش میهن ما، و نیروهای آگاه و انقلابی هیچگاه تسلیم این روشهای هیئت حاکمه نخواهند شد، هرگونه عقب‌نشینی در شرایط کنونی، بقیه در صفحه ۱۵

# است. قلال کار مسکن - آزادی



# تعطیل و انگشگاهها بمنفع...

بقیة صفحه ۱

بنا بر این "کابینه انقلاب" به تنها کاری که در آن شرایط میتوانست انجام دهد، یعنی بازگشتی دانشگاهها را در داد اما از همان ابتدا و آنجا که در توانش نبود، مبارزهای همسه جان و بیگنیرا بر علیه نیروهای انقلابی دانشگاهی و شوراهای واقعی آغاز کرد.

بخوبی روشن بود که سرکوب نیروهای مترقی دانشگاهی کار آسانی نیست، فعالیت‌های بیگنیرا این نیروها ترسناک‌تر است و کارگزاران دولت موقت سخت تنگ کرده بود. دانشگاهیان انقلابی به واسطه پهنه‌های عوام‌فریبانه رضایت نمیدادند و در مقابل سیاست کام‌پگسسام و ترمیم و بازسازی نهادها وابسته قاطعانه مقاومت و افتخار آفرینی میکردند. دولتمردان "موقت" بزودی دریافته‌اند که دانشگاه این گان‌نور بر شور مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک، پیچیده "سنگر آزادی" لقب نگرفته، و بازمانی که این سنگر استوار و پابرجاست، سرکوب خلق‌ها، نظام آزاد بنیان‌گذار آن و بازسازی نظام وابسته را حتی صورت نخواهد گرفت.

در دانشگاهها پایه‌های نوهای خود را از دست داده و آینده را سخت اضطراب آور میدیدند. در اوخر تابستان، "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" خواستار تعطیلی دانشگاهها و مهاجرت دانشجویان به مراکز و کارخانه‌ها شد. طبعاً این فراخوان عوام‌فریبانه را، که با وجود میلیونی کارگری که نیروی کار دانشجویان را یکمک می‌طلبید، هیچ کس جدی نگرفت.

در شهریور ۵۸ دستور "قبضه کردن دانشگاهها" از سوی آیت الله خمینی داده شد. با حمله‌های اسلامی دانشجویان را محسوس داده شد تا از طریق بحث و واگرداندن تندتند با طاعتیست، دانشجویان دیگر و دانشگاهها را در حدت اسلام در آورند. تعابیر "پیوند حوزه و دانشگاه" نیز در همین زمان با چند جلسه در شهران رقم آغاز شد. هیچ یک از این تلاشها ثمری نداشت. انجمن‌های اسلامی سرگت نبودند و خود را از دست میدادند و شوراهای دانشجویی یکی پس از دیگری در اختیار سرزدهای مبارز و انقلابی قرار میگرفت. اشغال سفارت و دیدن آن سقوط دولت موقت، همراه با سردرگمی نیروهای مترقی، انجمن‌های اسلامی را تا حدودی نفیوت کرد و زمره مطبعلیست دانشگاهها برای مدتی فروکش نمود. اما این مسئله مدت زمانی طولانی به انجمن‌های اسلامی کمک نکرد. حرکت‌های ارتجاعی و ضد مردمی حاکمیت، تشدید سرکوب خلق کرد. حمله به حقوق و آزادیهای دموکراتیک، حمله به اجتماعات، تشریفات، چاپخانه‌ها و مطبوعات، برجی از مخالفت و مقاومت در دانشگاهها برمی‌انگیخت و هیئت حاکمه سرکوب و تعطیل دانشگاهها را در دستور کار خود قرار داد. پیغام نوروزی آیت الله خمینی بوضوح نشان دهنده این سیاست حاکمیت بود.

در همین روزها، سردمداران حزب جمهوری اسلامی طوسی جلساتی که با شرکت بعضی از دانشجویان عضو انجمن اسلامی تشکیل میشد، نقشه‌پوشیه دانشگاهها را طرح و تاربخ و

# اعتراض دانشجویان هوادار سازمان در واشینگتن به خیرمندی در درازگان سراسری "کمیته مرکزی"

جنبش دانشجویی خارج از کشور بویژه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در طول حیات خود نقش آفرینانه مهمی در افشای ماهیت امپریالیسم و رژیم وابسته شاه داشتند. سازمان دانشجویی ما امروز نیز همچنان گذشته و بدوش کلبه نیروهای ضد امپریالیست از هیچ کوششی در جهت افشای توطئه‌های امپریالیسم و رسوا نمودن پایگاه‌ها و خلیش در ایران و حمایت بدریغ از جنبش‌های آزادیخواه و مبارزانه‌ای انقلابی فروگذار نخواهد کرد.

لازم به یاد آوری است که حرکت مبارزاتی ما علیه دار و درو سته وابسته و خاش بختیار در واشینگتن همراه با دانشجویان مبارز مسلمان و سایر گروه‌های ضد امپریالیست تمام با شعارها و جهت گیریهای خود است که به پیچیده‌ها موضوع را ست و در فرستایی "کمیته مرکزی" (اکثریت بورژوازی) مطابقت داشته است. از این رو خیرحلی مندرج در مقاله بورژوازیست که بیسایر امپریالیست "دانشجویان مبارز ایرانی" در درازگان سراسری "کمیته مرکزی" شماره ۲۷ که مبنی بر هواداری ما از "کمیته مرکزی" است تدبیرا نکذیب می‌گردد.

مرکز امپریالیسم جهانی بسرگردگی  
امپریالیسم آمریکا و پایگاه و خلیش

دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق  
ایران در واشینگتن  
۲۹ مرداد ۱۳۵۹

غالی راه‌سناد "عملیات سیاسی تفرقه‌ور" مبدل ساخته اند. دستور داده شده است که: "سادهای عملیاتی گروه‌های گوناگون، دفترهای فعالیت و نظارت آنها که در دانشگاهها و دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی مستقر شده‌اند در ظرف سه روز... برچیده شود. "کمیته دانشجویان" در گنگان را از دانشگاه مکران دانشکده "تفسیر دهند و فاخر و گنگان بخانه‌ها نشان را تعطیل کنند و در یک گنگه دست از "عملیات سیاسی تفرقه‌ور" بردارند، میتوانند به سرکلاس‌ها رفته و نیمسال تحصیلی را با تمام برآشد. روز بعد، محمد علی رجایی وزیر آموزش و پرورش نیز که تنور را داغ دیده بود، دستور بستن دفاتر گروه‌های دانش آموزی را در کلیه مدارس صادر کرد.

(کمیته ۱۳۵۹/۱۳۰)  
در این گنگان "مبطل حاکمیت مستلماً با امپریالیست جلوه‌گیری از فعالیت‌های سیاسی دانشجویان میدید، و بسه خطرات بالقوه این فعالیتها بخوبی واقف بود، تردید نمی‌توان داشت، حبیبی وزیر آموزش عالی و عضو شورای

حزب جمهوری اسلامی خواهان تعطیل دانشگاهها بود، و بسدر و آل همیگی اس، بانکیه بسبر عقب افتاده ترین افشار، و سایر دیگر از اکثریتسین ناکسکی های فاسیستی، چنانداران را بجانگسب دانشگاهها روانه نکرد. بسبود. اما بنی صدر روزی دیگری را می پسندید، روشی که در نهایت برای مقاصدی که در جناح در سری بروراند تدبیر نرؤسینه رفته تر بود، روشی که قلب مسئله را هدف قرار میدهد و نیروها را بی جهت تلف نمی‌کند، او بارها به این نکته اشاره کرد بود که باید "حاکمیت دولت و به دانشگاهها مستقر ساخت و به گروه‌های دانشجویی اجازه نداد که از بنیت‌العال تغذیه کنند و بر علیه دولت "توطئه بچینند" یعنی نباید بسسه

گروه‌های صغی- سیاسی دانشجویی اجازه داد که فعالیت کنند و در این رهگذریه افشای جنایات رژیم در سرکوب سازمان یافته و وحشیانه، نورای انقلاب بیانیهای در راه بطیة حوادث دانشگاهها منتشر کرد که در حقیقت منشور سازش دو جناح حاکمیت در این مورد بود. بنی صدر و طرفدارانش، امواج پیر تلاطم را دیدند و باز بر یکی تمام بروی آن بریدند.

بقیه در صفحه ۱۴

# با تکیه به نیروی توده‌ها برای صلح و همکاری در کردستان بگوئیم

# اخبار کارگری

## مسئول مرگ کارگر

### کارخانه هوخست کیست؟

روز دوشنبه دهم شهریور مشهدی حسن احمدی کارگر قسمت شیمیایی کارخانه هوخست دچار بکنه قلبی شد. اما آمبولانس با وسیله ای که مختص انتقال کارگران بیمارستان باشد وجود نداشت. بعد از مدت زیادی دنبال وسیله گشتن و اتلاف وقت، با اتومبیل یکی از کارمندان مشهدی حسن را به طرف بیمارستان روانه می کنند. در بین راه ماشین دچار نقص فنی گشته و از کار می افتد. با زحمات معطلی و گذشت زمان، سرانجام کارگر را با ماشین دیگری به بیمارستان می رسانند اما دیگر خیلی دیر شده بود. با رسیدن به بیمارستان، مشهدی حسن جان خود را از دست داد.

او با مرگ خود چهره کربه نظام استعمارگران را به داری را با ردیگر به نمایش گذاشت. مرگ او با ردیگر نشانی نمود که سرمایه داران فقط به سود خود می اندیشند. برای آنها ایضا شرایط امنی برای کارگران و با اقدامات احتیاطی برای بروز حوادث هیچ اهمیتی ندارد. آنها حاضرند حتی زندگی کارگر را در کارخانه و کنار دستگاهها بگیرند.

اما مبلغی از سود خود را صرف امکانات بهداشتی ایمنی و رفاهی آنها نکنند سودی که از شیر جانشین کارگران به جیب گشادشان می ریزد. عده ای از کارگران زحمتکش "هوخت" ضمن ابراز نا راحتی خود از این واقعه دردناک با خشم بسیاری می گفتند که:

"دکتر نیرومند مدیر دولتی کارخانه فقط می گوید، الان دیگر کارخانه مجال خودتان است و نتوانید با لایبرید! او اطلاعاتی ما نیست. او مسئول مرگ مشهدی حسن است."

کارگران بخوبی درک کرده اند که اگر کارخانه به خودشان تعلق داشت، حداقل از سود آن ابتدای ترین وسایل ایمنی (مثل یک آمبولانس) را تهیه می کردند. کارگران بخوبی درک کرده اند که فقط خودشان با اتحاد و همبستگی می توانند با خود را از سرمایه داران بازستانند.



خشم کارگران هنوز فروکش نکرده بود. اطلاعیه سازمان گسترش و نواری در باره انحلال شوراها هنوز مورد اعتراض کارگران بود که اطلاعیه دیگری از طرف حسن صدر صادر شد. او که معاون وزیر صنایع و معادن می باشد نیکو اردیگرنیست که تمام ارگانهای دولتی قتل از هر چیز بفرمانت سرما به داران هستند. این اطلاعیه حکم می کرد که روزهای پنجشنبه جزو ایام کاری بوده و کارگران باید استراحت کنند.

کارخانه بیابند. اما کارگران که از جریانات چند ماه گذشته کارخانه عصبانی بودند، به مقاومت در اجرای این اطلاعیه پرداختند. آنها خوبی درک کرده بودند که هر چه در مقابل ایگونه حرکات سکوت کنند با لایها بیشتر شیرجه جانشان را می کنند. لذا فوراً دست به کار شدند آنها ابتدا چند نفر نماینده از بین خود انتخاب کردند و این نمایندگان به مذاکره با مدیرعامل پرداختند. اما این پادار سرمایه های کارخانه ماشین سازی بهیچوجه حاضر نبود جز سودسانی به اربابانش به چیز دیگری فکر کند. مذاکره ۲ تا ۳ بار تکرار شد. بالاخره مدیرعامل با بلاتکلیف گذاشتن نمایندگان، به توطئه همیشگی خود متوسل شد تا بهر نحوی شده این برنامہ سرمایه داران را نیز بیاورد. او

گفت در نماز جماعت جواب کارگران را میدهد. یکی از شکردهای مدیرعامل این کارخانه اینست که خبرات نیهای خود را معمولاً بعد از اتمام نماز جماعت ایراد میکند. البته اعمالش را قبلاً در جمع کارگران مستقر میکند و آنها بطور برنامہ ریزی شده ای پس از هر صحبت مدیرعامل با گفتن تکیه های مکرر گفته های این خسام سرمایه داری را تثبیت می کنند.

مدیرعامل این بار نیز به همین حیلہ متوسل شد. نماز جماعت میرفت که آقا رشود ما اینبار متفاوت با همیشه، کارگران دسته دسته به این محل سرازیدند. جمعیت زیادی در محل نماز اجتماع کردند. ۲۵۰۰ کارگر از ۲۰۰ نفر کارگران ما شنبه ساری به این محل آمده بودند. اینبار تعداد کارگران آنقدر زیاد بود که دیگر عمال مدیرعامل نمیتوانستند با تکبیرهای دروغین دیگران را با خود همصدا کرده و اهداف مدیرعامل را پیش ببرند. از قبیل مشخص بود که اینبار حیلہ مدیرعامل عملی نخواهد شد و همین خاطر هم مدیرعامل با ترس و تردید در مقابل کارگران قرار گرفت. او میدانست در مقابل خشم انقلابی کارگران با رای مقاومت نخواهد داشت. لذا بلافاصله رنگ عوض کرده با لحنی عاجز و درمانده تمام می تقصیر را با برگردن مسئولین

گفت در نماز جماعت جواب کارگران را میدهد. یکی از شکردهای مدیرعامل این کارخانه اینست که خبرات نیهای خود را معمولاً بعد از اتمام نماز جماعت ایراد میکند. البته اعمالش را قبلاً در جمع کارگران مستقر میکند و آنها بطور برنامہ ریزی شده ای پس از هر صحبت مدیرعامل با گفتن تکیه های مکرر گفته های این خسام سرمایه داری را تثبیت می کنند.

مدیرعامل این بار نیز به همین حیلہ متوسل شد. نماز جماعت میرفت که آقا رشود ما اینبار متفاوت با همیشه، کارگران دسته دسته به این محل سرازیدند. جمعیت زیادی در محل نماز اجتماع کردند. ۲۵۰۰ کارگر از ۲۰۰ نفر کارگران ما شنبه ساری به این محل آمده بودند. اینبار تعداد کارگران آنقدر زیاد بود که دیگر عمال مدیرعامل نمیتوانستند با تکبیرهای دروغین دیگران را با خود همصدا کرده و اهداف مدیرعامل را پیش ببرند. از قبیل مشخص بود که اینبار حیلہ مدیرعامل عملی نخواهد شد و همین خاطر هم مدیرعامل با ترس و تردید در مقابل کارگران قرار گرفت. او میدانست در مقابل خشم انقلابی کارگران با رای مقاومت نخواهد داشت. لذا بلافاصله رنگ عوض کرده با لحنی عاجز و درمانده تمام می تقصیر را با برگردن مسئولین

## پیروزی کارگران ماشین سازی اراک در مبارزه برای ادامه تعطیل پنجشنبه ها



سازمان گسترش... انداخت. او که تا چند روز پیش به نمایندگان کارگران جواب سر بالا میداد، در آن جلسه از وحشت اتحادیه دو تشکل کارگران ماشین سازی اراک بلافاصله موضع بیطرفی گرفت و قبول داد که بهرمان رفتن موافقت مسئولین سازمان گسترش... را در ادامه تعطیل پنجشنبه ها جلب کند. اما کارگران می گفتند:

"چه شما موفق شوید چه نشوید ما تعطیل پنجشنبه ها را طوسی یک مبارزه طولانی در رژیم گذشته بدست آورده ایم و به هیچوجه آنرا از دست نخواهیم داد."

بدین ترتیب کارگران موفق شدند با اتحادیه همبستگی خویش متجاوزین به حقوق خود را عقب رانند و روزهای پنجشنبه را تعطیل کنند. کارگران که در این اجتماع قوی برای بازگوا کردن مشکلات خود یافته بودند، خواسته های دیگر خود را نیز تکرار می کردند. که بخشی از آنها از این قرارند:

- ۱- تشکیل شورای کارگران
- ۲- ارتقاء مرخصی سالانه از ۱۲ روز به ۱۸ روز
- ۳- پرداخت حق آلودگی محیط کار
- ۴- استفاده از بیمه درمانی واقعی
- ۵- بیمه بازنشستگی

\*\*\*\*

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است، پرداخت باید گردد



# علیه اپورتونیسم در مبارزه ضد امپریالیستی

اتخاذ سیاست اصولی و مبتنی بر منافع توده‌های مردم در مبارزه برای رهایی از قید امپریالیسم، موضوعی است که بدون شناخت صحیح و علمی و درک درست از مضمون طبقاتی مبارزه ضد امپریالیستی ممکن نیست. امروزه در میهن ما مبارزه ضد امپریالیستی توده‌های خلق به مرحله‌ای از تکامل خویش دست یافته است که همه نیروهای اجتماعی و سیاسی از مبارزه ضد امپریالیستی سخن می‌گویند. اکنون ما شاهدانیم که حتی سرمایه‌داران و زمین‌داران نیز در شهرها و روستاها برای حفظ منافع خود و فریب کارگران و دهقانان، با شور و حرارت مصنوعی صحبت از ضرورت مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا می‌کنند. هر یک از جناح‌های هیئت حاکمه در رقابت درونی خود برای غلبه کامل بر دیگری، بر این امر تکیه می‌کند. در یکسک چنین شرایطی، وظیفه کمونیست‌ها به‌مثابه پی‌گیر ترین و انقلابی ترین نیروی ضد امپریالیست، پیش از پیش خطر بزرگ است. در این لحظه تاریخی انقلابیون کمونیست باید با شرکت در مبارزه طبقاتی مفهوم انقلابی مبارزه ضد امپریالیستی را آنچه که بورژوازی تحت عنوان "مبارزه ضد امپریالیستی" تبلیغ می‌کند جدا نموده و معنای این جدائی را در میان توده‌ها تبلیغ و ترویج کنند. باید با تکیه بر تئوری و سیاست امپریالیستی مبارزه طبقاتی، واقعی و واقعی هر یک از طبقات را وقتی که سخن از استقلال و رهایی به میان می‌آورد به بیرون راند و موخست باید در هر گام عملی و در هر تجربه زندگی سیاسی توده‌ها، نشان داد که همه‌ها را در انقلاب حقیقی ارتجاعی ترین طبقات خود را انقلابی و وفادار به انقلاب توده‌ها نشان می‌دهند. همانطور که در شرایطی که موج مبارزه توده‌های علیه امپریالیسم بر می‌خیزد، آنان برای کنترل و منحرف کردن مسیر انقلابی این مبارزه خود را هماهنگ با آن و ضد امپریالیست و انمود می‌کنند. تاریخ میسرانات خلقی تحت ستم، بارها نشان داده است که همه احزاب و جریانهای ضد انقلابی با تکیه بر جنبه‌ها همگانی مبارزه ضد امپریالیستی، توانستند آن را با منافع طبقاتی خود همسان نموده با فریب و تیرنگ‌آوایی آن جلوگیری از جلوگیری کنند. تجربیات گرانبهای جنبش‌های آزادیبخش خلقی جهان و بویژه ملت تحت ستم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین این اصل را بارها به ثبات رسانده است که بدون تأکید بر جنبه طبقاتی مبارزات ضد امپریالیستی یعنی بدون روشن کردن این مطلب که کدام یک از طبقات در مبارزه علیه امپریالیسم و در هر مرحله مشخصی از تکامل آن، انقلابی است و کدام یک ضد انقلابی و یار فریبست، نمی‌توان نقش واقعا "کمونیستی" بر

عهده گرفت. بدون آموختن چنین تجربیاتی و کار بست آن در عمل، بدون داشتن درک اصولی از مبارزه ضد امپریالیستی و فهمیدن این اصل که سیاست خارجی و سیاست داخلی هر حکومت ارتباطی ناگستنی دارند و سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است نمی‌توان از تزلزلات سیاسی و نهایتاً "سقوط در ورطه" اپورتونیسم جلوگیری نمود.

## فکر و سیاست اپورتونیسم در مبارزه ضد امپریالیستی و در مبارزه برای دموکراسی

شیوه برخورد اپورتونیستی نسبت به مبارزه مبارزه ضد امپریالیستی چیست؟ بطور خلاصه این شیوه برخورد عبارتست از: تأکید یک جانبه بر خصوصیت همگانی مبارزه ضد امپریالیستی و نفی جنبه طبقاتی آن، آراستن فرجه بصورت دموکراسی ملی - انقلابی، محدود کردن مرز میان نیروهای انقلاب و ضد انقلاب و بالاخره نادیده گرفتن ارتباط ارگانیک و غیر قابل تفکیک میان سیاست داخلی و سیاست خارجی. درک و روش برخورد اپورتونیسم نسبت به مسأله مبارزه ضد امپریالیستی، مستقیماً درک و روش برخورد آنها نسبت به مسئله مبارزه برای آزادی و دموکراسی را پدید می‌آورد. بطور مثال دوران رژیم شاه را در نظر بگیرد و سیاست نمایندگان بورژوازی متوسط و بی‌عنوان نسبی سیاست لیبرال‌ها را ببیند. آنها تنها هنگامیکه طوفان مبارزه توده‌های در سال ۱۳۵۵ آغاز می‌شدند، نهاد، آهسته آهسته حرکت در آمدند و بیخود جرات آنرا دادند که به دیکتاتور شاه اعتراض کنند. سپس متناسب با اوج گیری مبارزه توده‌ها، فعالیت سیاسی خود را برای مهار و کسب رهبری جنبش توده‌ها تشدید نمودند. اما اعتراض و مخالفت آنها با رژیم شاه به جهت بود؟ چرا آنها به فقدان آزادی و دموکراسی اعتراض می‌کردند؟ علت آن بود که بورژوازی متوسط ایران زیر فشار سرمایه‌های بزرگ و انحصارات مالی امپریالیسم قرار داشت. این بخش از بورژوازی برای کسب

سود بیشتر، با بورژوازی بزرگ ایران در رقابت بود. به همین جهت هدف اصلی نمایندگانشان بورژوازی متوسط کسب امتیازات سیاسی در قدرت دولتی بود. تا بتوانند سهم بیشتری در استعمار و جپاول توده‌ها بچنگ آورند. آنها با دست یافتن بدین هدف میتوانستند امکانات جدیدی را برای رشد بورژوازی متوسط فراهم نمایند. منافع طبقاتی آنان ایجاب می‌نمود که در سیاست تنها خواهان اصلاحاتی در رژیم شاه باشند و نسیه و از گونی آن، صدای اعتراض آنها به دیکتاتور شاه، در واقع صدای اعتراض بورژوازی متوسط و وابسته ایران به بورژوازی بزرگ و کمپرادور ایران بود. اما اپورتونیسم در آن زمان (مشخصاً حزب توده) از دیدگاه دیگری به مسأله تکیه کرد. آنها از روی مخالفت لیبرال‌ها با دیکتاتور شاه و تکیه بر این واقعیت که لیبرال‌ها در شمار دوران رژیم شاه نیستند، با این نتیجه می‌رسیدند که لیبرال‌ها نیروی ملی - انقلابی اند. انحراف اساسی استدلال آنها در چه بود؟ در این بود که آنها از مخالفت لیبرال‌ها با دیکتاتور شاه تحلیل صحیح طبقاتی ارائه نمی‌دادند. در این بود که آنها منظور واقعی هر یک از طبقات را در مبارزه علیه دیکتاتور شاه بیان نمی‌کردند بلکه از آزادی بطور عام و دموکراسی بطور کلی سخن می‌راندند و این درست خواست بورژوازی متوسط ایران نبود. بورژوازی می‌میگردان این راه یعنی مطرح کردن شعارهای آزادی و دموکراسی بطور کلی، ذهن طبقه کارگر و توده‌ها را هر چه بیشتر معشوش و آشفته سازد تا بتواند به اهداف خود دست یابد. اپورتونیسم عملاً "با سیاست خود به بورژوازی خدمت می‌نمود. اما در مقابل، وظیفه کمونیست‌های واقعی آن نبود که به تحلیل طبقاتی دموکراسی بپردازند و از این طریق نشان دهند که در مراحل گوناگون تکامل مبارزه در راه دموکراسی، آزادی خواهی کدام یک از طبقات انقلابی و مترقیانه و کدام یک رفرمیستی، ضد انقلابی و فریبکارانه است. در آن زمان پاسخ صحیح مارکسیستی در مقابل به اپورتونیسم چنین بود. این درست است که از نظر سیاسی لیبرال‌ها جزو مزدوران رژیم شاه نیستند اما عملکرد سیاسی - اجتماعی شان نشان می‌دهد که آنان از منافع بورژوازی دفاع می‌کنند. مبارزه‌های رفرمیستی است علیه دیکتاتور شاه، مبارزه‌های رفرمیستی است که در بیکار طبقاتی نقش جزعیق کشیدن مبارزه توده‌ها ندارد. حتی جمهوری خواهی آنها کاذب است زیرا محتوای این نوع جمهوری از آنجائیکه باز هم دفاع از منافع سرمایه‌داران و زمینداران است نه تنها آزادی و دموکراسی برای

# برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک علنی

پنجمه در صفحه ۶

بقیماز صفحه ۵

توده‌ها و طبقات انقلابی و مترقی فراهم نمی‌آورد بلکه نمی‌تواند جزا طریق فریب، سرکوب و سلب آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها را برجا بماند. در ایران اینرا تجربه زندگی و چون و چرای توده‌ها بخوبی اثبات نمود. بورژوازی در طول ۱۹ ماه که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد، نقاب از صورت برگرفتو چهره زشت و کریه "دموکراتیسم" بورژوازی متوسط ایران را به نمایش گذاشت.

اکنون با اوج گیری مبارزه ضد امپریالیستی توده‌ها، اپورتونیسیم همان تحریف قدیمی را در این مورد نیز رواج می‌دهد. در حالیکه مارکسیسم - لنینیسم به ما می‌آموزد که هرگاه مضمون طبقاتی مبارزه ضد امپریالیستی در هر مرحله مشخصی از رشد تاریخی آن (در جامعای معین) تحلیل نگردد همواره می‌تواند بدرک فریستی آن منجر گردد. در جنبش ما اپورتونیسیم در این زمینه (مبارزه ضد امپریالیستی) درک عامیانه‌ای را تبلیغ می‌کند. این درک اساسا مبتنی است بر جدا کردن مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی و نیز جدا کردن هر دو از آنها یعنی مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه در راه تحقق دموکراسی از مبارز طبقاتی توده‌ها علیه بورژوازی. برای شکافتن و توضیح بیشتر مطلب بیک نمونه بارز از برخورد اپورتونیسیتی "کمیتهمرکزی" می‌پردازیم. "کمیتهمرکزی" اخیرا مقاله‌ای تحت عنوان "کودتا، قافیه تنگ اقلیت" در نشریه خود درج نمود. ماست که گزارشی بود عنوان مقاله مضمون واقعی آنرا منعکس کند می‌بایست: "کودتا، نشانه ماهیت انقلابی و ضد امپریالیستی حکومت جمهوری اسلامی است! نا امید می‌شود آنها که هرگونه مخالفت با امپریالیسم آمریکا را انقلابی میدانند و حزب جمهوری اسلامی را رهبر مبارزات خلق علیه امپریالیسم آمریکا تلقی می‌کنند در این مقاله کوئید ملز همان استدلال کهنه اپورتونیسیم را ارائه دهند.

حقیقت آنستکه برخلاف ادعای آنها بحث اصلی ما در مقاله کار (۶۷) بر سر پذیرش یا انکار تضاد بین حاکمیت و امپریالیسم آمریکا نیست بلکه بحث اساسی بر سر جدود و ماهیت این تضاد است. آنچه که برای کمیتهمرکزی مطلقا قابل درک نیست، همین جدود و ماهیت تضاد بین بورژوازی متوسط و امپریالیسم است. "کمیتهمرکزی" بگمان خود تناقض مهمی را در گفته‌های ما در مورد کودتا کشف کرده است. او می‌نویسد:

ما از یکسوازیستکی حکومت به امپریالیسم سخن گفته‌ایم و از سوی دیگر کودتای اخیر را دلیلی بر عدم سازش سیاسی حکومت جمهوری اسلامی با امپریالیسم دانسته‌ایم. ظاهرآ منطق است و میتوان بد خوبی کسانی را که هنوز آشنائی کافی با شگردهای "کمیتهمرکزی" و بازی با کلمات ندارند. سردرگم سازد اما ما از خوانندگان می‌خواهیم برای لحظهای استدلال اپورتونیسیم در زمینه مبارزه برای دموکراسی را که ما در ابتدای مقاله بدان اشاره کردیم بخاطر آوردند. استدلال اپورتونیسیم برای جایگزین کردن لیبرالیسم بجای دموکراتیسم انقلابی چه بود؟ آنها هنگامیکه ما از سازشکاری لیبرالها با رژیم دیکتاتوری شام صحبت می‌کردیم به استدلال

## علیه اپورتونیسیم در مبارزه ضد امپریالیستی

ما پوزخند می‌زدند و به "تناقضی" نظیر آنچه که امروز "کمیتهمرکزی" بدان اشاره می‌کند تکیه می‌کردند. اپورتونیسیم لیبرالها را نیروی ملی - انقلابی میدانست و استدلال می‌کرد که آنها بطور کلی به دموکراسی معتقدند. "چپ روه" را استدلال خود در جارتناقض هستند زیرا آنها از یکسوازیستکی برای کسب دموکراسی را می‌پذیرند و از سوی دیگر "لیبرالها" را که به زحمت برای تحقق دموکراسی مبارزه می‌کنند، ضد انقلابی می‌نامند. چپ روه" در این تناقض گیر کرده‌اند و نمی‌توانند از دام آن رها گردند! آری "کمیتهمرکزی" امروز در مورد مبارزه ضد امپریالیستی و مساله وابستگی سیاسی، ما را متهم به تناقض گوئی میکند اما از یاد می‌برد که حزب توده نیز در مورد "مبارزه برای دموکراسی" ما را متهم به همین "تناقض" گوئی می‌نمود و با آراستن چهره لیبرالها، با اصطلاح از "تناقض" گوئی ما داد سخن میداد. اپورتونیسیم همانطور که در مبارزات دموکراتیک به "دموکراسی بطور اعم" معتقد است همانطور نیز مجذوب "مبارزه" ضد امپریالیستی بطور کلی شده است. همانطور که در رابطه با مساله آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها، جریانهای لیبرال نظیر جریان بنی صدر را انقلابی میدانند، همانطور نیز در مبارزه ضد امپریالیستی حزب جمهوری اسلامی را رهبر مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران جلوه گر می‌سازد. برای اپورتونیسیم وابستگی سیاسی بورژوازی با امپریالیسم، تنها بصورت مزدوری و نوگرستی مستقیم بورژوازی بزرگ به امپریالیسم فهمیده می‌شود. از نظر آنها بورژوازی متوسط ایران، ملی - انقلابی و ضد امپریالیست است. بهمین لحاظ و قتی که ما روابستگی بورژوازی متوسط ایران که اساسا با کار کردهای سیاسی اجتماعی آن، چه در عرصه سیاست داخلی و چه

در قلمرو سیاست خارجی سنجیده و مشخص می‌شود سخن می‌گوئیم برای آنها اصلا قابل فهم نبود و آنرا یک "تناقض" می‌نامند! قیام توده‌ها در بهمن ماه رژیم سلطنتی را سرنگون کرد و با سرنگون کردن آن حاکمیت سلطنتی بورژوازی بزرگ را عمدتا برانداخت اما تناسب قوای طبقاتی در جریان قیام چنان بود که بورژوازی متوسط قدرت اصلی دولتی را تصاحب نمود. بورژوازی - بزرگ که قبلا در حاکمیت بود سقوط کرد و در اپوزیسیون قرار گرفت و دو جناح از بورژوازی متوسط که قبلا در موضع اپوزیسیون قرار داشتند به نیروی اصلی حاکمیت تبدیل شدند. نتیجتا لطعات بزرگی در عرصه اقتصاد، بر بورژوازی بزرگ وارد گردید اما حاکمیت بورژوازی متوسط با وجود حمایت وسیع توده‌ها نتوانست تثبیت گردد. هیچیک از دو جناح رقیب نتوانست بر دیگری برتری اقتصادی و سیاسی فائق آید بطوریکه امروز

حکومت جمهوری اسلامی ایران در شرایطی قرار گرفته است که کودتای امپریالیستی و توطئه بورژوازی بزرگ بصورت یک خطر جدی خود را نشان می‌دهد اما "کمیتهمرکزی" اینرا یک تناقض بزرگ میدانند! کودتای امپریالیسم و بورژوازی بزرگ علیه حاکمیت ضد انقلابی بورژوازی متوسط. چه تناقض بزرگی! کونئی تاریخ کشورهای زیر سلطه، بارها و بارها نشان نداده است که امپریالیسم نه فقط علیه حکومتها "نامطلوب" نظیر حکومت کونی ایران، بلکه حتی علیه حکومت های مزدور خود که دیگر قادر به پیش برد اهداف وی نبوده‌اند نیز دست به کودتا زده است. نتایجی که به تاریخ کشورهای آمریکا و لاتین در آنها نمونه‌آزاد است میدهند. هر کس که حداقل درکی از وابستگی سیاسی به امپریالیسم داشته باشد با این نکته واقف خواهد گشت که مخالفت و درگیری ارتجاعی ترین حکومت های وابسته با امپریالیسم در مقطعی، کاملا محتمل است. بهمین جهت کودتای امپریالیستی نمی‌تواند ماهیت انقلابی و با صد انقلابی، خصلت وابستگی بلطی - انقلابی یک حکومت را بازناسب نماید. اما مسافانه این القیای روش تحلیل مارکسیستی راهنوز "کمیتهمرکزی" فراتر گرفته است و از جریان کشف کودتای اخیر تاکنون مگسرا تبلیغات بورژوازی حاکم را تکرار کرده می‌نویسد: "توطئه‌های کودتای امپریالیستی اخیر و شکست آن صحت دیدگاههای سازمان را در مورد باقیست حاکمیت کونی و همچنین وظایف جنبش انقلابی و کمونیستی در شرایط کونی را بار دیگر اثبات رسانید و در کنار آن بر تمام ارزیابی‌های واژگونه خط بطلان کشید." (همان مقاله)

و پس در ادامه سخنان خود به "تجربه‌دهها انقلاب رهائی بخش و دهها جنبش ملی" اشاره می‌کند اما یک بار هم به روش سیاسی دولتها نمی‌گفت که این انقلابات رهائی بخش و این جنبشهای ملی را نمایندگی میکردند و یا می‌کنند! شام نمی‌کنند و نمی‌گویند که آنها در ارتباط با توده‌های خلق چه سیاسی را در پیش گرفتند و می‌گیرند. آیا آن دولتها به خواست خلقها یا توطئه و تاکتیک پاسخ داده‌اند! آیا آن دولتها با فاصله به کمک‌مال کردن تمامی دستاوردهای "انقلاب رهائی بخش" دست یازیده‌اند؟ آیا تجربه این دهها جنبش که شما از آن سخن می‌گوئید حتی یکبار شاهد آن بوده‌است که فرزندان راستین و انقلابی آن خلقها در کنار مزدوران امپریالیسم گروه گروه دست به جوخه‌های اعدام دولتهای انقلابی! سپرده شوند و...

عملکرد کدام جنبش نجات بخش ملی با دروغ برداری ها و شعارهای بی‌محتوای حاکمیت کونی منطبق بوده است؟ آيا روش فریب و سرکوب در رشته سیاست داخلی بجهت مناسبت؟ آیا از نظر مارکسیسم سیاست داخلی منشا سیاست خارجی نیست؟ آیا سیاست اتحاد با امپریالیستهای اروپائی و ژاپن برای مقابله با کمونیسم اساس سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی را تشکیل نمی‌دهد؟ آیا این خود شکنی از وابستگی سیاسی را نشان نمی‌دهد؟ اگر میخواهیم عوام فریبی‌های حزب جمهوری اسلامی را کنار بگذاریم سیاست خارجی آن را نه در حرف و شعار بلکه در بقیه در صفحه ۷

## مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه برای دموکراسی نیست



بقیاض صفحه ۶

عمل مورد سنجش و ارزیابی قرار دهیم ، شعار "نه شرقی و نه غربی" از جماعتی برخوردار است؟ این شعار که شعار جناح بنی صدر (لیبرالها) نیز می باشد اولاً نشان دهنده وحدت دو جناح بر اساسی ترین خط سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی است (علیرغم تضادهای آنان بر سر پارهای مسائل نظیر مسئله گروگانهای آمریکائی) و ثانیاً: چنانچه بارها سازمان ما ترا افشاء نموده است ، این شعار دارای ماهیتی ارتجاعی است زیرا تحت پوشش ثنوری ارتجاعی "دوا بر قدرت" در جهت اتحاد سیاسی با دول امپریالیست اروپائی و زاپن پیش می رود . معنای حقیقی این شعار بطور خلاصه چنین است : "مردم قهرمان ایران ، دشمنان اصلی تان دوا بر قدرت آمریکا و روسیه هستند . دوستان اصلی تان کشورهای تحت سلطه اروپائی و زاپن هستند" اینجاست که ماهیت سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران آشکار شد و مفهوم ارتجاعی بودن سیاست خارجی حزب جمهوری اسلامی و جناح بنی صدر معلوم میگردد . اما "کمیت مرکزی" که خود را دستخوش عوام فریبی های سران حزب و زمامداران لیبرال حکومت جمهوری اسلامی نموده است ، تنها به درگیریهای این حکومت با امپریالیسم آمریکا فکرمی کند ، گوئی امپریالیستهای اروپائی و زاپن متحد طبیعی امپریالیسم آمریکا نیستند . تفکر محدود و یکجانبه و کوتنگری آنها به حدیست که نمی توانند ماهیت واقعی شعارهای حزب جمهوری اسلامی و اهداف آن را دریابند ، سیاست حزب جمهوری اسلامی را که اساساً بر پایه "فریبتی سرکوب و نابودی حقوق دموکراتیک و آزادی نودها ستوار است مبارزه طبقاتی خورده بورژوازی علیه بولتاریسمی نامند! شوخی نمی کنیم ، باین سخنان ایدئولوگهای "کمیته" مرکزی در همان مقاله گوش کنید : "پورتونیسیم چه به نحو غربی بر ناید بد گرفته و اقیانای اصرار می ورزد و کودگانه انتظار دارد خرد بورژوازی مبارزه طبقاتی با بولتاریا را کنار بگذارد جریانات متعلق به پورتونیسیم چپ انتظار دارند قشرها و بخشهای خرد بورژوازی با هم مبارزه طبقاتی نداشته باشند!" واقعا در اطراف "کمیته مرکزی" چه کسانی جمع شده اند و چگونه این مهمات را بعنوان توجیهات تئوریک می پذیرند؟ آنها باین جملات نشان میدهند که هیچ درکی از مراحل و درجه رشد مبارزه طبقاتی و اشکال منطبق به آن ندارند . آنها حزب جمهوری اسلامی را حزب انقلابی خرد بورژوازی میدانند و برای توجیه این حکم نادرست و سازشکارانه ، تمام سیاست سرکوبگرانه حزب جمهوری اسلامی را بحساب منافع طبقاتی و مبارزه طبقاتی خرد بورژوازی انقلابی! با سایر بخشهای خرد بورژوازی و بولتاریسمی گذارند! آیا مزخرف گوئی تئوریک برای "کمیته مرکزی" حد و حدودی ندارد؟! "به تناقض" ما زریان آنها دام دهیم : "اقلیت برای این که از این تناقض آشکار خلاص شود ، یا ایستنی معتقد باشد که "فراکسیون بورژوازی" حزب جمهوری اسلامی ملی است که معتقد نیست و با این که وابسته به جناحهای غیر سلط امپریالیسم آمریکا است " و سپس با آوردن این عبارت که : اقلیت می گویند

## علیه اپورتونیسیم در مبارزه ضد امپریالیستی

"گروگان گیری از نقطه نظر داخلی شدید و به نحو غیر قابل تصویری مواضع کارتر و حزب دموکرات را به ویژه در انتخابات ریاست جمهوری تضعیف می نمود می نویسد : "ولابد این حزب (حزب جمهوری اسلامی) بعنوان تکیه گاه جمهوری خواهان آمریکائی در ایران عمل می کند" آری تعجب نکنید ، اینها کلمات قصار "کمیته مرکزی" است . کلماتی که بهیچوجه تاریکی ندارد . "کمیته مرکزی" از آن زمان که "چرخش نوین" سیاسی را پذیرفت تا مدت همتا این مقابله مورد پسند آقای رئیس جمهور و آیت الله بهشتی را در رابطه با مواضع ما تکرار نموده است . آیا باسند ماهیت انقلابی ضد امپریالیست حاکمیت بویژه حزب جمهوری اسلامی را پذیرفت و آیا تکیه باید آنرا وابسته به جناح غیر مسلط امپریالیسم آمریکا یعنی حزب جمهوریخواه آمریکا دانست یا حکومت جمهوری اسلامی ، حکومتی انقلابی - ملی است و آیا تکیه عیناً بمانند رژیم شاه وابسته امپریالیسم آمریکا است! عبارت روشنتر یا سیاست خارجی جناح بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی بیانگر اراده انقلابی خلفهای تحت ستم ایران علیه امپریالیسم است و آیا تکیه همین جناحهای رقیب در حکومت جمهوری اسلامی یعنی لیبرالها و جناح حزب جمهوری اسلامی ، دست نشانندگان و مهرهای سیاسی جناحهای مختلف امپریالیسم آمریکا هستند! بی اعتباری این نوع استدلال را میتوان تنها از روی مقایسه آن با شیوه برخورد لنین نسبت به مساله جنبشهای آزادیبخش ملی در کشورهای با نظام های ما قبل سرمایه داری درک نمود .

لنین در "گزارش کمیسیون بررسی مسائل ملی و مستعمراتی" که بطور اختصار به تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به جنبشهای آزادیبخش ملل تحت سلطه علیه امپریالیسم پرداخته است آموزشهای بس مهمی را به کمونیستهای کشورهای زیر سلطه یاد می دهد . لنین در این مورد تجربیات احزاب کمونیست را در دو مین کنگره "انترناسیونال کمونیستی (کمینترن) بدقت جمع بندی کرده و در سومین تر خود می نویسد : "سوم اینکه ، می خواهم مخصوصاً بر مساله جنبش بورژوا - دموکراتیک در کشورهای عقب مانده تاکید کنم . این ، مساله ای است که بارهای اختلافات بسیار آورده است . ما درباره این موضوع که آیا از لحاظ عملی و نظری درست است بگوئیم انترناسیونال کمونیستی و احزاب کمونیست باید به جنبش بورژوا - دموکراتیک در کشورهای عقب مانده کمک کنند بحث کرده ایم . در نتیجه این بحث به اتفاق آراء تصمیم گرفتیم درباره جنبش ملی - انقلابی صحبت کنیم نه درباره جنبش بورژوا - دموکراتیک . تردیدی نیست که هر جنبش ملی فقط می تواند جنبش بورژوا - دموکراتیک باشد ، زیرا

توده عظیم جمعیت در کشورهای عقب مانده از دهقاناتی تشکیل می شود که نمایند ، روابط بورژوا - سرمایه داری اند . چیزی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد آنستکه لنین حتی در مورد جنبشهای آزادیبخش ملی در کشورهای عقب مانده که اکثریت آنرا دهقانان تشکیل میدهند ، کاربردن و از بورژوا - دموکراتیک بدون تاکید بر خصلت ملی - انقلابی را نا صحیح دانسته است . لنین در ادامه می نویسد :

"خیال محض خواهد بود اگر گمان کنیم که در این کشورها احزاب بولتاریائی اگر عملاً بتوانند ظاهر شوند می توانند بدون ایجاد روابط مشخصی با جنبش دهقانی و بدون کمک موثر به آن ، از تانکیهای کمونیستی و سیاست کمونیستی پیروی کنند . اما اعتراضهایی شده است بدین مضمون که اگر ما از جنبش بورژوا - دموکراتیک صحبت کنیم ، تمام اختلافهای میان جنبشهای رفرمیستی و انقلابی را از نظرهای پنهان خواهیم کرد . درست همین اعتراض را "کمیته مرکزی" نسبت به ما عنوان کرده است منتهی بطریق معکوس! زیرا آنها نه تنها هموار خود این اختلاف را که امروز در جنبش ضد امپریالیستی خلفهای تحت ستم ایران آشکارا نمود یافته است پنهان میسازند ، بلکه اعتراضشان ما در مورد وابستگی سیاسی و غیره نیز دقیقاً از این موضع است که چرا "اقلیت جنبش ضد امپریالیستی خلفهای ایران را که از جانب بورژوازی متوسط ایران بشیوه رفرمیستی رهبری میشود ، از جنبش ملی - انقلابی جدا میسازد لنین در ادامه نتیجه می گیرد :

"اما این اختلاف اخیراً به روشنی در کشورهای عقب مانده و مستعمره آشکار شده است زیرا بورژوازی امپریالیستی بهر کاری که از قدرتش بر می آید دست می زند تا در میان ملت های ستمدیده تیز بذرک جنبش رفرمیستی را بپاشد . نوعی روابط حسنه میان بورژوازی کشورهای استعمارگر و بورژوازی مستعمرات پدید آمده است بطوری که غالباً - و شاید در بیشتر موارد - بورژوازی کشورهای ستمدیده ، ضمن اینکه از جنبش ملی پشتیبانی می کند ، با بورژوازی امپریالیستی توافق کامل دارد یعنی برای مبارزه علیه همه جنبشهای انقلابی و همه طبقات انقلابی ، با بورژوازی امپریالیستی متحد می شود . این واقعه بطور انکارناپذیری در کنگره ثابت شد و ما پذیرفتیم که تنها برخورد درست اینست که این اختلاف را در نظر بگیریم و تقریباً "در همه موارد ، اصطلاح "انقلابی - ملی" را بجای اصطلاح "بورژوا - دموکراتیک" بنشانیم . اهمیت این تغییر در اینست که ما کمونیستها فقط زمانی باید از جنبشهای بورژوا - آزادیبخش در مستعمرات پشتیبانی کنیم و پشتیبانی خواهیم کرد که این جنبشها حقیقتاً انقلابی باشند و نمایندگان آنها جلوی ما را در آموزش و سازماندهی انقلابی دهقانان و توده های استعمار شوند نمیگردانند . اگر این شرایط وجود نداشته باشد کمونیستهای این کشورها باید با بورژوازی رفرمیست که رهبران انترناسیونال دوم نیز از آن جمله اند ، مبارزه کنند . هم اکنون احزاب رفرمیست در کشورهای مستعمرات موجود دارند و سخنگویان بعضی از آنها خودشان را سوسیال دموکرات و سوسیالیست می نامند . اختلافی که بدان اشاره کردم در همه تها در نظر گرفته شد و به گمان نتیجه اش این است که نظرها اکنون با دقت بقیه در صفحه ۸

مبارزه ایدئولوژیک علنی گامی است در جهت وحدت جنبش کمونیستی

بقیماز صفحه ۷

بمراتب بیشتری فرمول بندی شده است. اما "کمیت مرکزی" بالکل خیال خود را راحت کرده است و زحمت بررسی دقیق مسئله را به خود نمی دهد. زیرا پشتیبانی از هر جنبش رفرمیستی بسیار سهلتر از عدم پشتیبانی، افشا و مبارزه با آنست!

### ● آیا امپریالیسم آمریکا مشاعر خود را از دست داده است که علیه حاکمیت کنونی توطئه می کند؟!!

"کمیت مرکزی" استدلال خود را در مورد "تناقض" ما ادامه میدهد. اما با زهم محور استدلال همانست که در قبل به آن اشاره شد. "کمیت مرکزی" با زهم مشکل دیگر - مسئله حل نشده ذهنی خود را بحساب "تناقض" بزرگ در دیدگاه ما می گذارد. مسئله ای که از نقطه نظر ثنوریک برای آنسان لاینحل مانده است چیست؟ این مسئله اگر بخواهیم آن را تنها در یک عبارت خلاصه کنیم چنین است: تفاوت میان خصلت سیاسی حاکمیت بورژوازی بزرگ از یک طرف و خصلت سیاسی حاکمیت بورژوازی متوسط ایران از سوی دیگر است. محور سخن ما، در مسأله کار شماره ۶۷ که در مورد کودتای امپریالیستی نوشته شده است به چیزی جز توضیح این تفاوت اختصاص نیافته است و این اساس مقاله "گودتا، قافیمتنگاقلیت" حاکی از چیزی جز عدم درک مطلق این تفاوت نیست. درست بر پایه همین عدم درک است که آنها زمامی پرسند اگر حکومت کنونی حکومتی ضدانقلابی، ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم است پس چگونه امپریالیسم آمریکا با توسل به گودتا در صدد سرنگونی آن برآمده است؟ آیا امپریالیسم آمریکا مشاعر خود را از دست داده است که علیه منافعی خود دسیسه چینی می کند؟!!

در اینجا لازم است قبل از هر چیز به تفاوتی که در بالابدان اشاره کردیم یعنی تفاوت میان خصلت سیاسی حکومت بورژوازی بزرگ و بورژوازی متوسط ایران، بپردازیم. آنچه که برای هر مارکسیست - لنینیستی بمثابة یک اصل بدون چون و چرا پذیرفته شده است آنستکه گرایش عمومی امپریالیسم در کشورهای زیر سلطه روی کار آوردن ارتجاعی ترین و ضد انقلابی ترین حکومتهاست. لنین در اثر مشهور خود "امپریالیسم بمثابة بالاترین مرحله سرمایه داری" بدفعات آنرا تکرار نموده است تا برای کلیه انقلابیون که به مبارزه علیه امپریالیسم جهانی برخاسته اند بعنوان اصل راهنمای عمل درآید. لنین علت این گرایش عمومی دول امپریالیستی در کشورهای زیر سلطه را گندیدگی و خصلت بی نهایت ارتجاعی "سرمایه" مالی ذکر می کند. این گرایش بویژه در شرایط کنونی جهانی که از یک سو بارش عظیم جنبشهای آزادیبخش ملل تحت سلطه و رهایی بسیاری از آنان از قید امپریالیسم و از سوی دیگر با عمیقتر شدن

### علیه ایورتونیسیم در مبارزه ضد امپریالیستی

نضادها و تناقضات درونی و رشد بحران در اردوگاه امپریالیسم مشخص می شود شدت می گیرد. در نتیجه امپریالیسم نمی تواند بدون تکیه بر حکومتهای مزدور و سرسپرده در کشورهای زیر سلطه، بحران عمیق درون سیستم جهانی خود را تخفیف دهد. بعلاوه مویزگی استراتژی بزرگ کشورهای زیر سلطه و نقش های متفاوتی که هر یک از آنان می توانند در یک منطقه یا قاره داشته باشند برای امپریالیسم دارای اهمیت خاص است.

خصلت فوق ارتجاعی امپریالیسم موجب آن شده است که امپریالیسم در کشورهایی با سیستم سرمایه داری وابسته نه تنها با حکومتهای انقلابی - ملی بلکه حتی با آن نوع حکومتهای ضد انقلابی و وابسته که حاضر به پذیرش سرپرستی امپریالیسم نیستند بمخالفت برخیزد. البته واضح است که سیاست امپریالیسم در مورد حکومتهای اخیر بدون توجه به وضعیت سیاسی و مبارزه طبقاتی داخلی تعیین نمی شود. سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی توده ها، درجه تکمیل آنان، قدرت و سیاست سازمانها و احزاب انقلابی و چگونگی ارتباط آنان با توده ها و بطور کلی سطح تکامل مبارزه طبقاتی در کشورهای مزدور از یکسو و ویژگی های خاص حکومت، تضادهای درونی و میزان پایه توده های آن، از جمله عواملی هستند که در چگونگی اشکال پیشبرد سیاست امپریالیسم دارای نقش تعیین کننده اند.

مثلا در مین ما رژیم سرسپرده شاه با توجه به نقش آن بعنوان زاندار منطقه، بهترین نوع حکومت برای امپریالیسم بشمار میرفت. بهمین جهت سیاست امپریالیسم، حمایت همه جانبه و بی دریغ از رژیم شاه بود. اما با وجود این رشد بحران شدید اقتصادی و سیاسی و گسترش مبارزه طبقاتی در قبال اقبال موجب آن شد که امپریالیسم برای جلوگیری از ادیکالیزه شدن انقلاب دست از حمایت خود برداشته و با عقب نشینی تاکتیکی مجبور به پذیرش "ارگان سازش" یا حکومت جمهوری اسلامی گردد. اما این عقب نشینی موقت هیچگاه اهداف استراتژیک امپریالیسم را برای روی کار آوردن مجدد حکومتی با خصوصیات سیاسی رژیم شاه، منتفی نمی کرد. امپریالیسم برای دست یافتن به این هدف استراتژیک همراه و روش و تاکتیکهای گوناگونی متوسل شده خواهد شد.

در طول رسیدن به هدف بسته به اوضاع سیاسی و چگونگی ترکیب عواملی که در بالا از آنها نام بردیم، به تاکتیکهای گوناگون و روشهای مختلف مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز دست میزند. تاریخ کشورهای زیر سلطه معلوماً اشکال مختلف روش و تاکتیکهایی است که امپریالیسم برای دست یابی به هدف نهائی یعنی برقراری حکومت وابسته به ارتجاعی ترین و ضد انقلابی ترین محافل طبقه حاکمه بدانها توسل می جوید. این هدف چه

از طریق مسالمت آمیز یعنی خریدن تدریجی ولی کامل حکومتها و چنانچه طریق فهر آمیز و عمدتاً کودتای نظامی، همواره از جانب امپریالیسم دنبال شده است. ماهیت طبقاتی این نوع حکومتهای سرسپرده و مزدور که به شکارترین شکل متکی بر فخر ضد انقلابی هستند، بورژوازی بزرگ در سیستم های سرمایه داری وابسته است که با انحصارات امپریالیستی نزدیکترین و بیشترین پیوندها را برقرار کرده اند. هر جا که چنین حکومتهای سرسپرده ای با مبارزه قهرمانانه توده ها سرنگون شده بر پیکر امپریالیسم ضرت جدیدی وارد آمده است. سرنگونی رژیم شاه در ایران چنین ضرتی را بر منافع امپریالیسم در منطقه وارد ساخت. اما واژگونی رژیم شاه، برقراری یک حکومت ملی - انقلابی را در پی نداشت زیرا در حکومت جمهوری اسلامی قدرت اصلی بدست بورژوازی متوسط ایران که قبلاً در موضوع اپوزیسیون ضد انقلابی قرار داشت سپرده شد.

این جا بجائی قدرت سیاسی صرفاً تغییر یک شکل دولتی حاکمیت بورژوازی بزرگ و کمپر داور ایران بشکل دیگر نبود بلکه این تغییر اساساً معنی انتقال قدرت سیاسی از دست بورژوازی بزرگ به بورژوازی متوسط ایران بود. بعبارت دیگر نتیجه قیام بهمن ماه چنین بود: تغییر حاکمیت بورژوازی بزرگ به حاکمیتی که در آن قدرت اصلی در دست دو جناح از نمایندگان سیاسی بورژوازی متوسط ایران قرار داشت. وابستگی اقتصادی بورژوازی متوسط ایران به امپریالیسم از یکسو و نیازهای برنامه بازسازی، حفظ و ترمیم سیستم سرمایه داری وابسته ایران که هیات حاکمه در دستور کار خود قرار داده بود از سوی دیگر، بورژوازی حاکم را مجبور به جهت گیری بسوی امپریالیسم می نمود. بدون چنین سیاستی بورژوازی متوسط ایران نمی توانست به هدف خود یعنی حفظ وضعیت موجود جامعه عمل بپوشاند. اما شرایط مبارزه طبقاتی در ایران و تسلط بورژوازی متوسط، تغییر سمتی را در همکاری با دول امپریالیستی ایجاد می نمود. این تغییر سمت در قالب شعار "نه شرقی و نه غربی"، مضمون نفی باصطلاح "دوا بر قدرت" و همکاری سیاسی با دول امپریالیست اروپائی و ژاپنی را در برداشت. بنا بر این چنین حکومتی از آنجا که هم در سیاست داخلی وهم در سیاست خارجی روش ارتجاعی، ضد انقلابی و در مجموع بسود امپریالیسم را اتخاذ کرده و می کند وابسته به امپریالیسم است.

اما همانطور که گفتیم علیرغم ماهیت ضد انقلابی و ضد خلقی حکومت کنونی گرایش عمومی امپریالیسم عبارتست از روی کار آوردن حکومت وابسته به ارتجاعی ترین و ضد انقلابی ترین محافل سرمایه داران بزرگ وابسته. بویژه امپریالیسم آمریکا با طر منافع ویژه خود در ایران و منطقه (چنانچه نظر سیاسی و چنانچه نظر اقتصادی) بیشتر از سایر دول امپریالیستی در فکر برقراری حاکمیت سیاسی بورژوازی بزرگ در ایران است.

مادر بالا به "تفاوتی" که "کمیت مرکزی" آنرا ندیده و یا نمی تواند درک کند مختصراً اشاره کرده و نشان دادیم که اگر چه حاکمیت کنونی نیز برای حفظ منافع طبقاتی بورژوازی و زمینداران به

## پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات

بقیماز صفحه ۹





حاکم همواری کند. وظیفه کمونیستها و همه نیروهای  
مترقی و انقلابی برای جلوگیری از رشد جنبین محافل،  
لاپوشانی ماهیت طبقاتی سیاستهای هیات حاکمه  
نیست بلکه تسکین همراه با افشای ماهیت ارتجاعی و  
عملکردهای فاشیستی محافل سرمایه داران بزرگ به  
افشای ماهیت طبقاتی حاکمیت کنونی همراه برای  
بازگشت سلطنت همواری کند. بپردازند.

ما می گوئیم این تنها خط مشی صحیح برای مبارزه  
علیه توطئه گری امپریالیسم آمریکا و پاندهای مزدور  
است. خط مشی "کمیت مرکزی" برای مبارزه علیه  
تسلط قدرت بورژوازی بزرگ سازشکارانه و  
اپورتونیستی است زیرا با پنهان ساختن ماهیت  
طبقاتی هیات حاکمه کفر اهنگشای اصلی تسلط قدرت  
مذکور است این مبارزه را با مواضع جدی و بیرو کرده  
و خواهد کرد.

آری حکومت کنونی بنا بر ماهیت طبقاتی خود از  
سرمایه داران در مقابل کارگران و ملاکین در مقابل  
دهقانان دفاع می کند، با شوراها و اقعی کارگران  
دشمنی می ورزد حقوق دمکراتیک توده ها را لگد  
مال می کند، خلفهای ستمدیده را بران راه خاک و  
خون می کند، ارتش ضد خلقی و سایر ارگانهای  
سرکوب را ترمیم و سازماندهی میکند، با ندهای  
مشکل از او با شان را تجهیز می کند، سازمانهای  
انقلابی و مترقی را عیرقانونی اعلام کرده و سرکوب  
می کند بی گزیرترین مبارزان را به جوخه های اعدام  
می سپرد اما در عین حال نمی تواند حتی بطور جزئی  
بحران اقتصادی و سیاسی را تخفیف دهد. در این  
میان سیاست ما در مقابل حکومت کنونی باید آن باشد  
که مبارزان و دهقانان و کلیه زحمتکشان نشان دهیم  
که هیات حاکمه در مجموع از مواضع طبقاتی چه کسانی  
دفاع می کند. باید بطور مشخص نشان دهیم که

چگونه هیات حاکمه با اصلی بحران کنونی را بر  
دوش زحمتکشان شهروروستانها دماست و چرا  
چنین میکند. چرا با اصلی کسری بودجه دولت را  
بر دوش کارگران و دهقانان نهاده است. چگونه  
صاحبان مستقلات، اجاره بداران کلان را به حیات  
های خود سرازیر کرده می کنند در حالیکه هیات  
حاکمه ضمن حفظ و دفاع از موضع موجود در روز و عد  
های فریبند های در مورد مسکن به توده ها میدهد و ...  
انحراف اساسی "کمیت مرکزی" اینست که آنها با  
مطالب فوقی را به توده ها نمی گویند و با آنجا که  
می گویند علل طبقاتی آنرا و از گون مطرح می کنند. ما  
امروز همچون گذشته، بدون ترمیم خط و رمز اساسی  
با اپورتونیسم نمی توانیم همچون کمونیستهای  
واقعی به بیگانه خود ادامه دهیم. اما از سوی دیگر  
باید قاطعانه نشان دهیم و بصورتا نمب توده ها توضیح  
دهیم که میان اشکال مختلف حاکمیت بورژوازی،  
تفاوت وجود دارد. ما نمی توانیم نسبت به انواع  
رژیمهای سیاسی بورژوازی بی تفاوت باقی بمانیم.  
باید با هر گرایش چپ روانی که این تفاوت را درک  
نمی کند مبارزه کنیم. اگر حکومت کنونی ضد  
انقلابی و ضد خلقی است ولی ماهیچه گاه تفاوت آنرا با  
رژیمهای نظیر رژیم شاه از با دمی بریم.

اکنون واقعی است که جنبش کمونیستی و  
کارگری ایران از ضعفهای فراوانی رنج می برد.  
مهمترین این ضعفها بر آنست که کندی ها و کسکی هاست.  
از سوی دیگر ماهیت هیات حاکمه و رشد بی سابقه  
تضادهای درونی آن وضعیت کاملا جدیدی را  
پدید می آورد. این وضع محصول مستقیم سیاستهای  
بقیه در صفحه ۱۰

## علیه اپورتونیسم در مبارزه ضد امپریالیستی

رهائی بخش خلقهای تحت ستم و از جمله خلقهای  
تحت ستم ایران بویژه در قبال ازیام نشان میدهد که  
امپریالیسم بنا بر ماهیت ارتجاعی خود در بسیاری  
از موارد حتی "مشاعر" خود را نیز از دست داده  
است. اتخاذ تاکتیک کودتای نظامی امپریالیستی  
در ایران نمی تواند بدون توجه به شرایط سیاسی زیر،  
بهترین وسیله برای تحقق هدف امپریالیسم باشد.  
اولا توده ها از حاکمیت بریده و بطور کامل هیچگونه  
پشتیبانی جدی از آن بعمل نیاروند. بعلاوه  
سازمانها و جریانهای انقلابی و مترقی نتوانسته  
باشند از پایه های قوی و نیرومند توده های برخوردار  
بوده و سطح مبارزه طبقاتی توده ها را ارتقا دهند و  
ثانیا تضادهای درونی هیات حاکمه به نهایت  
درجه رشد کرده باشد بطوریکه دیگر کنترل امور از  
عده آن خارج شده. و دستگاه اعمال حاکمیت  
دولت نتواند از حالت بحران بیرون آمده و سر  
پراکندگی خود فائق آید تا انتها توده ها نسبت به  
محافل سرسپرده، امپریالیسم و سلطنت طلبان دچار  
توهمات خوش بینانه نشد و بیا فعالیت توده ها دچار  
رکود بوده و روحیه باس و تسلیم طلبی بر آنان غلبه  
کرد باشد.

اینها پیش شرطهای سیاسی برای تحقق  
کودتای نظامی امپریالیسم است. نکته قابل  
ذکر در اینجا اینست که امپریالیسم منتظر دید آمدن  
شرایط مناسب نمی ماند بلکه همیای فراهم آوردن  
تدارکات لازم و سازماندهی شبکه های نظامی در  
بیرون ویا درون ارتش مانند شبکه ای که اخیرا از  
افسران سلطنت طلب ارتش کشف شد راههای  
سیاسی گوناگونی را جهت برقراری حاکمیت مورد  
نظر خود در ایران می آزماید. اشتباه بزرگی است  
اگر فکر کنیم تنها افعال سیاسی و روحیه منفعل  
توده ها است که شرایط را برای استقرار حاکمیت  
بورژوازی بزرگ فراهم می کند. این تنها یکسوی سکه  
است، سوی دیگر آن رشد آگاهی سیاسی توده میبوند  
هر چه بیشتر آنان با سازمانها و نیروهای مترقی جامعه  
و تکامل سطح مبارزه طبقاتی است که بورژوازی بزرگ  
و امپریالیسم را بیش از پیش هراسان کرده و آنها را  
بسوی اقداماتی نظیر کودتای نظامی سوق میدهد.  
اینکه اقدامات امپریالیسم و محافل ارتجاعی  
بورژوازی بزرگ ایران برای کودتا و غیره، در شرایط  
اوج گیری بحران اقتصادی و سیاسی تا چه حد قابل  
تحقق است (از نقطه نظر تعیین وظایف کمونیستی  
مان) برخلاف دیدگاه "کمیت مرکزی" جدین امر  
بستگی ندارد که نیروهای انقلابی و مترقی تا چه حد  
توانستند باشند حکومت کنونی را تثبیت کنند بلکه  
باین بستگی دارد که نیروهای مذکور تا چه حد  
توانسته باشند توده ها را برای مقابله و درهم شکستن  
کودتای سلطنت طلبان و پاندهای مزدور، هم از نظر  
آگاهی سیاسی و هم از نظر سازماندهی بسیج و آماده  
کردن باشند. سیاست ضد انقلابی هیات حاکمه  
کنونی را امری برای قدرت گیری محافل فاشیستی طبقه

بقیه از صفحه ۸

فریب و سرکوب توده ها دست میزدند و نیز بسیار  
سیاسی از امپریالیستها به اتحاد سیاسی می نشیند  
و بیشترین دشمنی را با کمونیسم از خود نشان  
می دهد و در یک کلام در سیاست داخلی و سیاست  
خارجی از منافع ضد انقلابی بورژوازی متوسط و  
رفرمیست دفاع می کند اما در عین حال دارای  
تفاوتهای بسیاری با حکومت سرمایه داران بزرگ  
است.

امپریالیسم برای رسیدن به هدف خود از  
تاکتیکهای متفاوتی سود می برد. تنها اینکه  
امپریالیسم بیش از هر چیز برقراری حکومت  
سیاسی بورژوازی بزرگ را با منافع خود منطبق  
می بیند، تاکتیکهای او روشن نمی کند. بکارگیری  
این یا آن تاکتیک از جانب امپریالیسم، از یکطرف  
بستگی به موقعیت بین المللی و منطقه ای امپریالیسم  
و از طرف دیگر به مواضع و احوال سیاسی و اقتصادی  
کشور و منطقه دارد. اما "کمیت مرکزی" این نکته  
را هم درک نکرده و یا عمدا نمی خواهد درک کند.  
بدینجهت "سناریو نویسی" "کمیت مرکزی"  
می نویسد: "حال به بخش دوم سناریوی برداریم.  
"اقلیت" می گوید امپریالیسم آمریکا پس از قیام  
"هیچگاه تا تکتیک سرنگونی حکومت کنونی را با  
منافع خود در ایران منطبق ندیده است ولی در  
عین حال "هیچگاه از تدارک لازم و ایجاد شبکه های  
نظامی جهت دست یازیدن به چنین اقداماتی  
"فروگذار" نکرده است! چرا که این کودتا امکان  
تحقق نداشته است! دقت کنید که رفاقی گویند.  
آمریکا "سرنگونی حکومت را با منافع خود در ایران  
منطبق ندیده است". اگر آمریکا سرنگونی حکومت  
را با منافع خود در ایران منطبق نمی بیند پس چرا  
برای سرنگون کردن حکومت تدارک می بیند؟ پس  
چرا حمله نظامی می کند؟ پس چرا تحریم  
اقتصادی می کند؟ چرا طرح کودتای چینند؟  
بهر استی چرا آمریکا علیه منافع خود در سیمه چینی  
می کند؟ آیا فکری کنید! آمریکا هم مشاعر خود را  
از دست نداده است. "کودتا قافیه تنگ اقلیت"  
نرفقا، تنها کسانی مشاعر خود را از دست  
داده اند که قادریدر کار این مطلب نیستند و  
نمی فهمند که در اینجا بحث بر سر هدف استراتژیک  
امپریالیسم آمریکا یعنی برقراری حاکمیت سیاسی  
ارتجاعی ترین و هارترین محافل بورژوازی بزرگ  
نیست، بلکه بحث بر سر تاکتیکهای امپریالیسم  
برای رسیدن به این هدف است. بحث بر سر  
گزینش تاکتیک سرنگونی بلاواسطه یا تاکتیکهای  
مسالمت آمیز و یا تلفیق این دو است. اما شما عمدا  
محور سر مقاله کار (شماره ۶۷) را که به توضیح چنان  
چوب تضاد میان حاکمیت کنونی و نیازهای  
امپریالیسم اختصاص یافته است فراموش  
کرد می پرسید: "بهر استی چرا آمریکا علیه منافع  
خود در سیمه چینی می کند؟ بنظر ما تنها تبسم  
برای پاسخ به این سؤال کافیست! زیرا اگر بپذیریم  
امپریالیسم برای اتخاذ تاکتیک در جهت هدف  
استراتژیک، "مشاعر" خود را از دست ندادند و  
همواره با تکیه بر تجارب ضد انقلابی وسیع و جهانی  
خود، بهترین و مناسبترین تاکتیکها را برای رسیدن  
به هدف اتخاذ می کند، باید پذیرفت که توسل به  
کودتای نظامی از جانب امپریالیسم تنها هنگامی  
می تواند بعنوان بهترین وسیله برای رسیدن به هدف تلقی  
گردد که شرایط سیاسی برای تحقق آن فراهم  
باشد. گویانکه تجارب انقلابی مبارزات

# ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بقیة صفحه ۹

حیات حاکم است. پیشرفت وضع موجود خطرروری کار آوردن حاکمیت افشارکسیخته بورژوازی بزرگ را افزایش داده است. افتاء ماهیت چنین حکومتی بیش از پیش باید به منای یکی از وظایف اساسی کمونیستها تلقی گردد. ما باید خود را برای یک تغییر سریع در اشکال و روشهای مبارزه سازمان دهی، در صورت تغییر اوضاع آماده کنیم. این آمادگی را اگر امروز سازمان خود فراهم کنیم، فردا، قادر بایقای نقش انقلابی و کمونیستی در جنبش توده‌ای نخواهیم بود.

### ● چگونه "کمیته مرکزی" خط و مرسرز خود را با "حزب توده" مشخص می کند؟!

انتقاد "کمیته مرکزی" از سازمان نمونه این از موضع یک جریان خرد بورژوازی - رفرمیست که از امپریالیسم آمریکا ترسیده و به نیروی انقلابی توده های ایالتی ندارد. آنها از جدائی توده ها از حاکمیت وحشت زده میشوند و با تمام قوا از نیروهای کمونیست و مترقی و انقلابی میخواهند که برای تثبیت حاکمیت کنونی بکوشند و این راهی است که حزب توده نیز آنرا تنها سیاست "انقلابی" می شناسد! تفاوت کمیته مرکزی با حزب توده در آنست که حزب توده در تبلیغات خود بطور مداوم از جناحهای هیات حاکمه میخواهد که دست از اختلافات بردارند (و متحدانه علیه توده ها دست بکار شوند) در حالیکه کمیته مرکزی علیرغم آنکه وظیفه اساسی کمونیستها را تثبیت حکومت کنونی قرار میدهد اما هنوز سیاست مشخصی در قبال تضادهای دو جناح هیات حاکمه در پیش نگرفته است. آنها هنوز بطور پرولتاریا توده ها است. پیشبرد سیاست تحکیم "میتاق وحدت" بین دو جناح یا تقویت یکی بر علیه دیگری؟ "کمیته مرکزی" سوگند می خورد که مانند حزب توده نسبت به مبارزه برای آزادی و کسب حقوق دموکراتیک توده های بی توجه نخواهد ماند و می نویسد...

دیدگاهی که مبارزه ضد امپریالیستی را مطلق می کند و رابطه دیاکتیکی مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه برای کسب حقوق دموکراتیک را نمی بیند. این دیدگاه چپ درست روی دیگر همان سکه ای است که خیال می کند اگر حکومت ضد امپریالیست بود دیگر نباید در برابر سرکوب نیروهای انقلابی و پایداری کردن حقوق دموکراتیک توده ها در برابر آن به مقاومت برخاست (دیدگاه راست) و عملاً مبارزه ضد امپریالیستی را در بن بست قرار می دهد "همان مقاله" در اینجاست "کمیته مرکزی" حقیقت بی چون و چرایی را ناخود آگاه از دهان برانده است و آن اعتراف به اینست که حکومت کنونی نیروهای انقلابی را سرکوب کرده و حقوق دموکراتیک توده ها را پامال می کند. بسیار خوب اگر حکومت کنونی نیروهای انقلابی را سرکوب می کند و حقوق دموکراتیک

### علیه اپورتونیسم در مبارزات ضد امپریالیستی

توده ها را پامال می سازد پس ادعاهای قبلی تان درباره "ماهیت انقلابی حکومت کنونی" چه میشود؟ آیا می توان تصور نمود یک حکومت انقلابی نیروهای انقلابی را سرکوب کند و حقوق دموکراتیک توده ها را پامال سازد؟! یا حکومت کنونی می تواند هم نیروهای انقلابی را سرکوب نموده و هم حقوق دموکراتیک توده ها را پامال ساخته و در عین حال حکومتی ضد امپریالیست، انقلابی و ملی شناخته گردد؟ آیا این استدلال شما برای هر کودکی خنده آور نخواهد بود؟! اگر این اپورتونیسم گنجه سری، خود فریبی و فریب توده ها نیست پس چیست؟ مگر شما مدعی آن نیستید که حتی ارتش ضد خلقی نیز اکنون مشغول پیشبرد سیاست انقلابی - ضد امپریالیستی حکومت کنونی است؟! اگر شما نمی گوئید فرماندهان ارتش حتی یک گلوله را هم بدون دستور خرد بورژوازی انقلابی شلیک نمی کنند؟! (ارجوع کنید به مقاله نظری - پیشاوربها... مندرج در ارگان سراسری شماره ۷۰) پس چطور چنین حکومتی هم سرکوبگر نیروهای انقلابی و هم پامال کننده حقوق دموکراتیک توده ها معرفی شده است؟ بنظر میرسد رفا با این نوشته های حزب توده موگروه "آزادی و برابری" را با دقت نظر بیشتری مطالعه کنند تا هم خط سیاسی شخص و منجمی را (هر چند رفرمیستی) به مردم ارائه دهند و هم از هرگونه سردرگمی و ابهام پرهیز کنند!

"کمیته مرکزی" در مقاله "کودتا: فاقه تنگ اقلیت"، برای تعیین خط و مرز سیاسی با حزب توده می نویسد "حزب توده هیچگاه از محدود شو حتی واژگون کردن صفا انقلاب و ضد انقلاب ابائی نداشته است. تلاش برای نزدیکی با جناح قدرتمند حکومت حزب توده را و امیدارنده که به مراحتی بنویسند

"ضد انقلاب از هم راهها و در آن واحد از هر دو در راست و چپ" وارد می شود. باید گفت که مهمترین هدفهای این سیاست نفاق افکنی از یک سو تضعیف اعتبار رهبری امام خمینی هم در میان توده های زحمتکش کشور هم در میان جامعه روحانیت و بعلاوه در سطح خوزستان تضعیف اعتبار استاندار (تیمار مدنی) است و سپس در ادامه می افزاید: "حزب توده تنها زمانی علیه اینگونه عناصر دست به افشاری می زند که جناح قدرتمند هیئت حاکمه علیه آنها موضع بگیرد و طرد آنها از حکومت مسلم شده باشد." (تأکید از ما است) اما آنچه که "کمیته مرکزی" در مورد حزب توده بیان می کند تنها یک جنبه از آنست که چیزی از یک واقعیت بزرگ است. چاکری حزب توده در مقابل جناح قدرتمند هیات حاکمه در این خلاصه نمی شود که جلوتر با فضای افرادی نظیر مدنی دست نمی زند. بلکه مهمترین چیزی که حزب توده آنرا از توده ها

بنهان میدارد و در این مورد شما نیز شریک جرم هستید علل اساسی رسیدن مدنی به پست های چون وزارت دفاع، فرمانده کل نیروی دریائی و استانداری خوزستان، گانددائی ریاست جمهور - سوری و نمایندگی در مجلس است. انحراف عظیم حزب توده در این است که زمانی هم که مجبوره افشاکری می شود تنها "علیه اینگونه عناصر" دست به افشاکری میزند! حزب توده علل دست یافتن اینگونه عناصر "به پست وزارت دفاع را توضیح نمی دهد و بازمانی هم که در صد توضیح آن بر می آید متأسفانه نظیر شما آنرا به حساب ناآگاهی و عدم یختگی سیاسی خرد بورژوازی ملی - انقلابی می نهد. حزب توده نیز می گوید که چگونه تیمار مدنی با تصویب شورای انقلاب و پشتیبانی همه جانبه لیبرالها و سران حزب جمهوری اسلامی (جناح اکثریت شورای انقلاب) به مقام وزارت دفاع دست یافت و تنها هنگامیکه تضاد دو جناح و ج گرفت و تیمار مدنی حاضر به همکاری با حزب جمهوری اسلامی نشد تدریجاً افشا شد و مومستادارک ارتباط وی با امپریالیسم آمریکا بطور رسمی منتشر می گردد و با آنکه تراناشی از سادگی "خسرده بورژوازی انقلابی" معرفی می کند! آیا شما چنین سیاستی را بکل ارتش ضد خلقی تعمیم ندهاید؟ آری شما نیز با تبلیغ این ایده که بر ارتش سیاست انقلابی اعمال نمی شود، جلوی رشد آگاهی توده ها را گرفته و عملاً "به کودتای امپریالیستی باندهای مزدور و سلطنت طلب ارتش کمک می کنید. به توده ها اجازه در کواچی این نکته اساسی را نمی دهید که سیاست حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها نه تنها در جهت اعمال سیاست های انقلابی بر ارتش نیست بلکه هنگامیکه آنها با اهداف سرکوب خواستهای بحق توده ها به حفظ و تجدید سازماندهی همان ارتش و بر گماری جلا دانی نظیر مدنی در بالاترین پست های فرماندهی دست میزنند بهترین امکان را برای امپریالیسم آمریکا جهت روی کار آوردن حکومتی نظیر حکومت شاه فراهم می کنند. شما و حزب توده در مورد قریب الوقوع بودن کودتای امپریالیستی هشدارهای فراوانی به مردم میدید اما با آرزو نه جلوه دادن ماهیت سیاستهای هیات حاکمه، از بی بردن توده ها به زمینه های واقعی کودتا جلوگیری می کنید.



**در تکلیف و توزیع آثار سازمان بکوشید**

۴۰ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است

# اپورتونیسیم و قانون کار پیشنهادهای کنگره شوراهای اسلامی

ما از ابتدا و بصراحت مطرح نمودیم که شیوه برخورد به کمیته مرکزی "به مسائل جنبش نه ناشی از یک سری اشتباهات و انحرافات جزئی بلکه منطبق از یک سیستم فکری و یک بینش اپورتونیستی - رفرمیستی می باشد .

نمود این بینش را میتوان در یک یک برخورد های آنان به عین مشاهده کرد . بعنوان مثال بازتاب این بینش اپورتونیستی را در مقاله "بررسی انتقادی قانون کار پیشنهادهای کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارکنان مندرج در ۷۰ ارگان سراسری" نظره های ۸ خوه ۷ می بینیم .

"ما دمی که افراد فراگیرند در پسر هر یک از جملات ، اظهارات و وعده و وعید های اخلاقی دینی ، سیاسی و اجتماعی منافع طبقات مختلف را جستجو کنند ، در سیاست همواره قربانی سفیها نه فریب و خود فریبی بود و نخواهند بود"

(لینن سه منبع و سه جز ما را کیم) مادر ابتدای مقاله خود ، "قانون کار پیشنهادهای کنگره شوراهای اسلامی کارگران یا تطهیر سرمایه داری توسط حزب جمهوری اسلامی مندرج در کار"

۷۰ گفتیم : "این قانون از دو عنصر تشکیل میشود . یکی عنصر اساسی که چهار چوب نوشته و موافقت قانون کار را میسازد و تا ما نظرات حزب جمهوری اسلامی و دیگر نمایندگان مدیریت و سرمایه داران حاضر در جلسه بود و بخش دیگر فرعیات که بشکل حضور آندی به "قانون کار" تحمیل شده که خود تجلی گرایشات مترقی و مبارز پر خسی نمایندگان واقعی کارگران در جلسه بوده است"

و به این طریق در قیاس و روشن نمودیم که "در پس جملات ، اظهارات و وعده و وعید های "این قانون" منافع طبقه سرمایه دار حفظ و حمایت شده است . ولی "کمیته مرکزی میگوید : "کنگره شوراهای اسلامی علیرغم آن که تا حدودی زبر نفوذ

انحصار طلبانه حزب جمهوری اسلامی است ولی کم و بیش به برخی از ضوابط کارگری توجه دارد و بر شرکت کارگران و شوراهای کارگری در امر تدوین قانون کار صحه میگردد . (ارگان سراسری شماره ۷۰) و بدین وسیله هم به نفع میزند و هم به مصلحت و بالاخره روشن نمی کند که کدامین خط و کد مین و وجه غالب است ، چهار چوب این قانون دارای چه مضمونی است و منافع کدامین طبقه را در پس خود دارد . "کمیته مرکزی" می نویسد ، کنگره شوراهای اسلامی ... از آن درگاسا سناحرف و ضد انقلابی که خواهان تدوین قوانین از بالا است متمایز است ؟ "کمیته مرکزی" بدین وسیله به شرکت کارگران در کنگره اشاره میکند و نتیجه ای که میگیرد این است که تدوین این قانون توسط "پائینی ها" صورت گرفته و مسلما باید میان آن و قانونی که توسط "کارشناسان و خبرگان وزارت کار" تدوین شود فرق اساسی گذاشت .

اپورتونیستها نمیتوانند بفهمند که چرا حزب جمهوری اسلامی (و همچنین هیئت حاکمه) مجبور است اینطور معلق بزند و تعدیه بازی کند ؟ چرا از جماعین که از نشین نام شوراهای کارگران دهقانان تشنان به لرزه در میاید مجبورند تحت لوای نام شورا حرکت کنند و چرا معتقدان به اطاعت کورکورانه نموندند موافقند قانون کار پیشنهادهای شان را با تن دادن به افزودن شدن "حشور و آند" در زورق "کنگره کارگران" بیچیده و آرا نه دهند .

ما این مغوله را بارها و بارها شکافتیم ، گفتیم که بر اثر اوچگیری مبارزه طبقاتی ، بورژوازی نیز بالا جبار دست به اتحاد تا کتیکهای جدید می زند . در شرایط فعلی از سوسیگامی سیاسی و شور بارزانی توده ها اوچ گرفته است از سوی دیگر بورژوازی هنوز نتوانسته خود را جمع و جور کند ، بر تضادهای درونی خود فائق شود ، نیروهای سرکوب خود را منسجم گرداند و نهادهای انقلابی و تشکل های

نودهای را "بخوبی" سرکوب گرداند . (تمامی اینها بر زمینه بحران اقتصادی حاکم رشد یافته و ادامه دارد) در نتیجه حاکمیتی که تمام بقایش را بر نوهم توده ها و حمایت سرستانه آنها از خود استوار گردانیده نمیتواند (در وجه غالب) به شکل عریسان به حمایت سرمایه داران و زمینداران بپردازد و خواستهای کارگران و زحمتکشان را سرکوب نماید . همانطور که فیلا گفتیم "در اثر اوچگیری مبارزات توده ها بالا جبار هیئت حاکمه محصور سیاستهای ضد شورائی خود را نه بر نفی و سرکوب شوراها بلکه بر نهی نمودن شوراها از محتوای انقلابی ، ایجاد شورا های زرد و تحمیل نقش "شورائی" شورا ها قرار داده است و سایر شیوه های سرکوب عریانتر را در جوار این سیاست مخوری و برای تکمیل آن بکار میگیرد .

"کار" مقاله "تشکل شوراهای اسلامی" هر کس که این تا کتیک بورژوازی را در کنگره نمیتواند در مبارزه با آن تا کتیک صحیحی اتخاذ پسر هر یک از "جملات" و "وعده و وعیدها" منافع طبقات را جستجو کرد و تمام کسانی که ملاک سیاستها ، تحلیلها و عملکردهای خود را بشکل ساده لوحانه و ظاهر بیفانه ، شعارها و بیانیها و وعده و وعیدهای حاکمیت قرار میدهند "قربانی سفیها نه فریب و خود فریبی بوده و خواهند بود"

در اینجا است که دیگر نمیتوان همانند "کمیته مرکزی" گفت "کنگره شوراهای اسلامی علیرغم آنکه تا حدودی زبر نفوذ انحصار طلبانه حزب جمهوری اسلامی است و کم و بیش به برخی از ضوابط کارگری توجه دارد ... بلکه باید روشن و مشخص برای کارگران و زحمتکشان بیان کرد که چهار چوب این قانون حافظ منافع چه کسانی است ؟ و در خدمت بازسازی و حفظ چه سیستمی قرار دارد ؟ در اینجا است که تمامی نیروی اپورتونیستها - هر چند صادقانه در جهت دامن زدن

به نوهم توده ها نسبت به حاکمیت بورژوازی بکار گرفته میشود .

با این شیوه برخورد و با این بینش است که "کمیته مرکزی" به "بررسی انتقادی قانون کار ... " پرداخته است . در سراسر مقاله سخن از "تعریفهای نادرست" و "اشتباهات" است که در این قانون وجود دارد ولی در هیچ کجا "کمیته مرکزی" نمیگوید که این "تعریفهای نادرست" و این "اشتباهات" موجود از کجا آب میخورد و آب به کدام آسیاب میریزد .

آنها در هیچ کجا مشخص نمی کنند که این قانون در کلیت خود حافظ منافع کدام قشر و یا طبقات است . "کمیته مرکزی" در تمامی "بررسی انتقادی خود" با سروش نهادن بر ریشهای "اشتباهات" سعی در کتمان ماهیت بورژوائی این قانون دارد . گویا که تمامی "اشتباهات" و "تعریفهای نادرست" موجود در "قانون" برخاسته از ناآگاهی و کم تجربگی "خرده بورژوازی" در زمینه "حکومت کردن" می باشد ! باید پرسید چرا چنین اشتباهات و تعاریف نادرستی در مادهای واحد مصوبه شورای انقلاب بیدانی شود . چرا هیچکدام این اشتباهات به نفع کارگران و زحمتکشان صورت نمی گیرد . اگر "اشتباه" است چرا همیشه در جهت منافع سرمایه داران است ؟

در کل میتوان گفت "کمیته مرکزی" زور کوش کرده است و اذیت را با دهنیت خود تطبیق دهد و برای اینکه "قانون کار" پیشنهادهای "آرا" نمایان یک کلیت بلکه بصورت اجزاء و مواردی برآورد و بی ارتباط با یکدیگر و بصورت تحلیلی بلکه بشکل توجیهی بررسی کرده است .

باین علت که ما در شماره ۷۰ نشریه کار "قانون پیشنهادهای کنگره" را بشکل کامل بررسی نمود و محتوا و چهار چوب بورژوائی آنرا نشان دادیم ، در اینجا فقط در چند مورد ، بررسی انتقادی "کمیته مرکزی" در مورد

این قانون را به مقدمی کنیم یا شیوه برخورد آنها روشن تر کرد محبور برخورد "کمیته مرکزی" ریحتم آب تطهیر بر سر حزب جمهوری اسلامی است (در دل دوست پسر حیلهر می باید کرد!) در این رابطه رفاقی می کنند که از این حزب بورژوائی تصویری خرد بورژوائی در آدهشان کارگران و زحمتکشان رسم کنند و به این صورت "ما دانه آب به آسیاب بورژوازی می ریزند . و برای القاء چنین شبهه های میگویند .

۱- نباید قانون را در کل بررسی کرد و ماهیت طبقاتی آنرا معین نمود بلکه بهتر است آنرا نکهت نمود موهرا مده را جدا گانه و بدون ارتباط با یکدیگر بررسی کرد . تنها جایی که "کمیته مرکزی" از این "قانون" در کلیت خود صحبت میکند در انتهای مقاله است که میگوید "قانون کار پیشنهادهای کنگره ... در مجموع با منافع واقعی کارگران منطبق نبود و از آن به مراتب عقب تر است" دقت کنید این برخورد در کمال فرصت طلبی ، ماهیت این قانون را که حافظ منافع سرمایه داران است پوئاند است . زیرا این قانون حافظ منافع سرمایه داران و ضد کارگری است و در جهت منافع کارگران نیست ولی در بررسی آنها این قانون فقط "با منافع کارگران منطبق نبوده از آن به مراتب عقب تر است"

۲- "نادرست بودن مواد قانون نه بخاطر حفظ منافع سرمایه داران و بایمال کردن حقوق زحمتکشان بلکه بر اثر "اشتباه" "خرده بورژوازی" است که نهم ملحا بخاطر "کم تجربگی" او در حکومت کردن می باشد !!

توجه کنید که "کمیته مرکزی" میگوید تعریف کارگر ، دستمزد ، کار فرما ... در این قانون "غلط" و "نادرست" است . میگوید "مدت کار" "نادرست" تعریف شده و ساعات کار با خواست کارگران منطبق نیست و ... ولی نمی گوید این اعمال ، این "اشتباهات" در جهت بقیه در صفحه ۱۲

## رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

### ● با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!

**رفقا، دوستان، هواداران!**  
 همانطور که اطلاع دارید پس از انتشار کمیته مرکزی "از تحویل هرگونه مسامحه امکانات به سازمان خود داری کرد. بسیار توجیهات پیکارهای فدائیه ای هر چه سازمان انقلابی کمکهای هواداران و طرفداران آن سازمان بستگی دارد. از کلیه رفقا، دوستان، همسوادان ارادتمندی می خواهم که ما را از امکانات خود با خبر کنند و بالاخص کمکهای مالی خود در ازاهای مطبوعاتی که میباشند برای ما بفرستند.

رفقای خوزستان ب ا ل ۲۰۰۰ ش ۱۱۷۷ ک ۵۳۸ ف ۲۰۰ م ۲۳۲ ۱۵۰۰	رفقای کارگر جنوب ک ج ۲۳ ۲۵۰۰۰ ریال	مجدد سلیمان ج ۸۸۸ ۲۵۰۰ ریال	ن ۱۸۳۳ هواداران زیرشهر داری رشت	رفقای پارس امانت شمار رسید	امانت رفقای مریخی رسید	رفیق الف - ج ۲/۱۶ هدیه شمار رسید	رفقای هامبورگ م - ج ۱۱۱ - ۱۰۰ س - ج ۱۰۰ - ۵۰ س - ج ۹۵ - ۵۰	رفقای اسکاتلند ه - ۱۰۰ یونید ۰۰۰۰	رفقای شاهرود م - ۴۰۰۰ پ - ۴۰۰۰ س - ۵۰۰۰	م - ۲۴۵۰ ریال م - الف ۵۱۲۳ م - ب ۵۱۲۳ م - پ ۵۱۲۳	رفیق م ۲۳۳ امانت شمار رسید	رفیق ۹۸ - ی امانت شمار رسید	رفقای درگز ۳۰۰۰ ریال	رفقای کرمانشاه ۵۲۴۱	۳۶۰۲	رفقای دکه دار ه - ج ۲۷۰۰ ریال پ - ۶۰۰	م - ۵۸۲۲ رفقای هواداران سال ۵۰۰۰ ریال	ج - ۷۲۲۰ رفیق ج زحمتکش ۲۱۰۰	رفقای برلن ۸۶۰۰۰ ریال ۱۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰	رفقای قاسم شهر ۵۰۰۰ ریال	رفقای ترکیه نوارکاست رسید	رفیق کا رگر ۱۹۰ - ۱۰۰۲ رسید	ف ۳۲ انزلی رفقای کرج ز ۱۱۲۵ ر ۲۲۱۳ ب ۱۲۱۱ ن ۶۲۰	س ۵۱۱۱ ج - ک ۱۵۰۰۰ ریال	رفقای لرستان م ۳۰۰۳۳ م ۵۱۱۱ ج ۵۰۲۰ ب ۱۰۲۱۱	رفقای دورود ۱۱۱۰ ش ۲۵ ۹۹۹۹ ۵۲۲۲ ۱۲۲۶۹	م خانه دار امانت فضا رسید	رفقای خوزستان ب ۶۲۵۷ ریال ج ۶۴۰ ع ۵۲۳۳	رفیق ۱۲۵ امانت شمار رسید	رفقای آلمان ۲۶۰۰ مارک	هواداران کشاورز روستای ن تبریز ۱۱۰۰ ریال	رفقای شستر م - ج - ۳۰۰۰ ریال ۱۲۳ - ۸۰۰۰ ریال ۳۰۰۰۰ م. ی.	رفقای مشهد ۳۰۸۸ الف ۱۳۵۹ ه ۱۳۲۹ ف	ک - ف - ه ۱۰۰۰ ریال	رفقای کردستان ۱۰۸۵ کذا کا و گری	رفیق ۱۹۰ کد ۰۰۲ رسید	رفقای میانه ۵۱۲۳	۸۴۵	رفیق مهدیه امانت شمار رسید	رفیق بهمن امانت شمار رسید	رفقای آستانه اشرفیه ۲۷۲۲
---	--	-----------------------------------	---------------------------------------	-------------------------------	---------------------------	-------------------------------------	---	--------------------------------------	--	---	----------------------------------	--------------------------------	----------------------	------------------------	------	---	---	-----------------------------------	--	-----------------------------	------------------------------	--------------------------------	---	----------------------------	--	--	------------------------------	---	--------------------------	--------------------------	--	---	--	------------------------	------------------------------------	-------------------------	---------------------	-----	-------------------------------	------------------------------	-----------------------------

الف	۵۱۱۰	۱۲۱۱۵	۵۱۰۸	۸۷۷	۱۱۰۱	۱۰۱۲۳	۶۲۶۲	۱۰۲۲۶	۲۲۲۲	۱۱۰	۱۱۳۱	۱۲۲۲	۲۷۵۶	۵۵۵۵	۷۲۲۷	۱۲۱۲	۲	۱۰۱۰۲	۱۷۷۷	ب	۱۲۱۱	۳۷۷۷	۱۰۱۲۲	۱۱۲۰	۱۰۰۰	۱۸۲۲	۳۰۰۰	۱۱۵۰	۲۰۷۵	۲۱۱۰	۶۰	۲۹۳۰	۲۰۲۲	۸۵۸۵	پ	۱۰۰۰	۲۵۰	۳۰۱۲	۶۰۶۵	۱۱۱۱	ت	۳۲۹۸	۹۹۹۹	ج	۵۱۰۰	۶۲۲۲	۵۱۲	۳۵	۱۳۰۱۱	۶۵۶۵
ش	۱۵۲۲۲	۹۰۹۰	۱۰۰۰۲	۶۰۵۰	۱۳۱۹	۱۷۲۵	۲۱۷۵	۱۰۱۲۲	۶۵۰	۲۰۲۱۰	۳۰۰۵	۸۳۲	۹۲۰	۲۱۱۱	۱۲۲۲	۱۰۰۷۷	۱۰۵۵۵	۱۶۸۷	۶۳۸۰	۱۵۵۴	۲۰۷۰	۵۳۱۸	۳۲۲۲	۹۰۹۰	۱۲۱۶	۱۱۲۶	۵۰۳۵	۶۰۰	۳۲۹۰	۱۲۳۲	۵۷۷۱	۱۱۲	۱۲۳۲	۱۱۱۵	۵۵۵۵	۱۰۰۰	۲۲۲۲	۵۲۰	۳۲۲	۳۱۹	۱۲۱۷	۱۲۸۲	۲۹۲۸	۱۶۵۰	۷۰۷۰	۱۰۲۶۰	۱۲۱	۲۲۰۰	۱۳۰۱۱	۶۵۶۵
ش	۵۲۲۵	۲۲۵۶	۲۱۱	۲۰۲۰۰	۲۰۵۵۵	۲۰۲۰۰	۲۱۲۲	۹۹۹۹	۲۵	۲۰۲۱۰	۲۰۰۵	۹۹۹۹	۸۰۸۰	۹۹۹۹	۱۰۰۷۷	۱۰۵۵۵	۱۰۵۵۵	۱۰۵۵۵	۳۲۰۵	۲۰۵۲۵	۲۱۰۰	۲۶۱۱	۶۰۶۰	۱۱۲۲۶	۱۲۱۶	۱۱۲۶	۶۰۰	۳۲۹۰	۱۲۳۲	۵۷۷۱	۱۱۲	۱۲۳۲	۱۱۱۵	۵۵۵۵	۱۰۰۰	۲۲۲۲	۵۲۰	۳۲۲	۳۱۹	۱۲۱۷	۱۲۸۲	۲۹۲۸	۱۶۵۰	۷۰۷۰	۱۰۲۶۰	۱۲۱	۲۲۰۰	۱۳۰۱۱	۶۵۶۵	

### اپورتونیسیم و قانون ...

ببقیاصفحه ۱۱

تنگ‌فروانین و آشپزخانه‌های ضد کارگری شکل نگرفت بلکه در جریان مبارزات انقلابی توده‌ها تجلی یافت. از این رو حزب توده عملانی توانا از شکل‌های انقلابی توده‌ها (منجمله شوراهای انقلابی) استقبال کند. وقتی هم که کارگری می‌شود شوراهای را جدی بگیرد، مفهومی که از شوراهای تبلیغ می‌کند همان شوراهای مشورتی است نه چیزی بیشتر از آن. ارگان سراسری شماره ۶۲ و اینک در فاصله‌های کم‌تر از ۲ ماه خود بهمان راه می‌رود و با "مبارزات" خود را در "خواسته‌های ارگان" های حاکمه و نهادهای قانونی "در پی ایجاد و حفظ "تنگ‌فروانین و آشپزخانه‌های ضد کارگری" مفهومی را که از شوراهای تبلیغ می‌کند همان مشورتی است نه چیزی بیشتر از آن. بهر صورت و بهر شکل "کمپنه" با تمام قدرت می‌کوشد تا تکیه بر "تغییرهای انقلابی" (۱) حاکمیت و تکیه بر الفیاض فریبند و مظهر اعدا امپریالیست! آن از حاکمیت بورژوازی نمودی خرد می‌پوشد و می‌گوید، "امپریالیست، مترقی و فقط تا حدی "کم تجربه" و "ناوارد" ترسیم کند و بدین شکل آستان بوسی اپورتونیسیم بر درگاه حاکمیت را منحوا انقلابی جلوه دهد! علیرغم تمامی این‌ها هر روز یا گوشت و پوست خود اعلایه حرکات، سرکوب و کشتار، بورش و واپس‌ال نمودن حقوق خود توسط این حاکمیت رالمس می‌کنند، روز بروز توهشان بیشتر زود می‌گردد و برکنه طبقانی شان افروزون می‌شود.

ما به تمامی رفقا توصیه می‌کنیم برای آشنا شدن دقیقتر با بینش رفرمیستی "کمپنه مرکزی" به مطالعه دقیق مقاله "بزرسی انقلابی قانون کار" در ارگان سراسری شماره‌های ۶۸ و ۷۰ و مطالعه دقیق آن با مقاله "قانون کار پیشنه‌های ... در کاره" بهر دازند و ماهیت این قانون حافظ منافع سرمایه داران و همچنین شهروند رفرمیستی اپورتونیستهای "کمپنه مرکزی" با آن را برای کارگران و زحمتکشان بازگو کنند.

مناقصه چیست؟ نمی‌گوید آیا این "اشتهات" در جهت افزایش استثمای و تجارت کارگران، در جهت تحمیل آنان و در جهت جلوگیری از رشد مبارزات کارگری هست یا نه؟ آنها را نمود میکنند که نویسندگان "قانون" از روی "کم تجربگی" وجهالت به این شکل برخورد کرد مانند قواعد تا سوء نیتی در بین نبوده است!!

۲- "کمپنه مرکزی" می‌کوشد بتکلی ساده لوحانه و بسودن کوچکترین دلیل این قانون را حامی شوراها و در نتیجه مترقی جلوه دهد. می‌گوید "برخورد طرح پیشنهادی با مفهوم شوراهای برخوردی مترقی و جالب توجه است. مواد ۷، ۵، ۸، ۱۲، ۸، ۳۹ به شورا اختصاص یافته "وازمیان تمامی این مواد فقط ماده ۸ را مطرح میکنند که "شوراها بالاترین مرجع قانونی در هر کارخانه شناخته می‌شوند. ... مادرکار ۷۰ سیاست حزب در این طرح پیشنهادی را (که همان تبدیل شورا به برادری است سرمایه داران بود) مطرح نمودیم و در همانجا با ذکر ماده ۸ گفتیم:

"در برداشتن سطح حاکمیت (واحبان اپورتونیسیتی!) این تصور پیش می‌آید که حزب با اعتماد کامل به حاکمیت شوراها و خلقی این حق حاکمیت را در قانون کار پیشنهادی خود رسمیت بخشیده است. اولی اگر پیش تر بویسم می‌بینیم که علاوه بر راههای گریز یا بقولی نفس کش‌های قانونی موجود در این موارد که جای هر گونه تغییر و تفسیر باقی می‌نهد در قسمت‌هایی از این پیش نویس که نقش شوراها در برخی محدوده‌های عملکردی اش بصورت مشخص مطرح شد ما بت بشکلی کامل مفهوم و معنی "بالا ترین و عالی ترین مرجع قانون" از نظر حزب روشن گشت است."

و آنکه با بررسی مواد ۱۷، ۱۸، ۴۹، ۴۸، ۱۳، ۵۲، ۵۳، ۵۴ بخوبی روشن شد ما است که هدف از "شورا" در این قانون چیست؟ و چگونه در این قانون بجای نهادی انقلابی، مبتنی بر آزادی دردست سرمایه داران گنجانیده شده است.

اپورتونیسیم بر روی هم‌راز با ششمی جرخد، "کمپنه مرکزی" خود زمانی درباره حزب توده میگفت: ... رفرمیست‌ها خواهستهای ارگان‌های حاکمه و نهادهای قانونی را (بعجای مصالح توده‌ها) مینا می‌گیرند.

تعطیل دوروز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و تلازمه ارتقاء آگاهی آنان است



# تعطیل دانشگاهها برفع امپریالیسم و...

بقیة از صفحه ۳

انقلاب در مصاحبه‌های با صراحت میگوید. "البناس واقعیتی است که حتی در رژیم کم‌دسته اطاق هائی که بعنوان کوهپودی، با فعالیت‌های خنری بودظاهرا عنوان صغی دانستولی واقعیت این بود که در همان موقع چشم رژیم را کور میکردند و از آن پس اطاقها برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است. استفاده میگردید. حالا هم این است. (اکون) دانشگاهها واقعا ساز دارد که محیط تفاهم و برادری با تدوین تریب کار موجب تفرقه بیندود (گپهان ۱/۲) - (۵). از آنجا که آقای حبیبی به اصل مطلب نرسیده‌اند. و این اصل نیز در بیانیه شورای انقلاب آمده است. در یک ضرورتی برای "روزهای تخریبی و خنوت آمیز چون اشغال دانشگاهها هم میدان "حزبی خویش هنداریدهد. و آنان را از عواقب اقدامات سنجیدد بر حذر بردارد و میگوید. "من آکد کردم که اشغال دانشگاهها با تانت میبود که اعلامیه سوزای انقلاب پیدا نهدشود (همانجا).

همین ماسیت بهم مردم ایران گفت دفا نکر وههای دانشجویی، اطاقهای کوهپودی و کتابخانه های دانشجویی، که نتیجه سازرات فتنه‌ها نانه دانشجویان در دوران حفقان آریامهری بود. همگی تعطیل شدند. اما سوزان دانشجویان انقلابی، ایمن و اربان بحق "سنگر آزادی دست از مبارزه و فاسکاری بر نداشتند و کامکان به فعالیت سیاسی. چدر سنگر دانشگاه چدر کوجسه و حیایان، دادند. دانشگاهها در خرداد سوزای مدنی با معلوم تعطیل نندند. حاکمیت، فارغ از "مراحت های آتان به اجرای با فیداند بر نامه های ضد دانشگاهی وضد مردمی خود برداخت. استادان و کارکنان مرفی و انقلابی دست، دستسسه اخراج شدند. چند تنس از زندانیان وقایع خونین دانشگاه با حرم جنابانی که آیت‌ها و جنی نام رنگ شده بودند به جوجه اعدام سیردند. در سطح جامعه نیز سرکوب خلق کرد و حمله بآزادیهای دیگران تیک دامنه کسرتدهتری یافت. همزمان با این روال، به دستور توجیهی تعطیل دانشگاهها در شرایطی که نیا به پرتنگ، معلم، مهندس و غیره پیش زهرمان دیگسره احساس میشود. تبلیغات دامنه دار و زهر آگین بر علیه دانشگاه ها و دانشگاهیان شدت گرفت. میگویند دانشگاههای ما "امریکایی اند"، "استعمار رده اند"، "مکتب و اسلام در آنها جای ندارد. و متخصصیتی که تنها بدر جوامع غربی میخورد تربیت میکنند. و به این دلیل تازمانی که در گرونی بنیادی در آنها پدید نیامده باید تعطیل بمانند. شورای هفت نفره! "انقلاب فرهنگی" مشغول کار است و پس از آنکه کارش به پایان رسیده دو آموزش عالی را از بیخ و بن در گرون ساخت، دانشگاهها آغاز کار خواهند کرد. اما کاملاً آسکار است که در بی الفاظ فریبنده "انقلاب فرهنگی" و در گرونی نظام آموزش "تربیت متخصصین با ایمان" مقاصد دیگری نهفتاست که حکومت را ناگزیر از تعطیل دانشگاهها میسازد. این واقعیت را همه دست اندرکاران امر، و بویژه

"شورای هفت نفره انقلاب فرهنگی" بخوبی و بهتر از هر کس دیگر میدانند. چگونه میتوان پذیرفت که آقایان شریعتمداری و حبیبی، یعنی وزرای علوم و آموزش عالی در یکسال و نیم بعد از قیام، که به هنگام تصدی بالاترین مقام مسئول در مورد آموزش عالی کوچکتربین قدمی در راه در گرونی نظام ضد دانشگاهی برداشتند، اینک در بیعتند درهای بسته در کنار تصاری کارگزاران آگاهی و ساخت در مسائل دانشگاهی برخوردارند. بتوانند نظام دانشگاهی را "متخول" سازند؟ مگر فراموش کردیم که مسئولین انتصاب شد در اجانب همین وزرا ارهان روز اول مخالفت با تئورهای منسحب دانشگاهی و تضعیف وی محتوا خشن آتیارا در سر لوحه اقدامات خود قرار داده بودند. و مگر جز این است که علت اساسی مخالفت آقایان با تئورها در قیام صراحتاً از فریاد نوراها در گرون با احساس مناسبات بسوسید دویا به بیسی یک نظام دانشگاهی مردمی بوده است؟ الفاظ دهان پرکنی چون "انقلاب فرهنگی" و "تحول دانشگاهها" تابیسند نتوانند توده های با آکا را برای مدتی فریبند، اما خود آقایان هم خوب میدانند که برای اکثریت عظیم دانشجویان و دانشگاهیان این عوامرفیعیها کار ساز نخواهد بود. اتهام "امریکائی بودن" دانشگاهها و "مکتبی نمودن" استادان هم با و مکتبی ها نسی است که عمق عوامرفیعی رهبران جمهوری اسلامی را به نمایش میگذارد. با یاد آقایان برسید که مگر دانشگاههای آمریکا و اروپا، که پیش از ضد همساز دانشگاهی ایرانی در آنها تحصیل میکنند و چندجیلیار از مملکت را بخارج می‌برند، "علوم اسلامی" تدریس میکنند و "متخصصینی با ایمان" برای ما تربیت میکنند؟ مگر استادان این دانشگاهها به "مکتب" اسلام گرویده‌اند؟ مگر جز این است که در دور وزارت آقایان حبیبی و شریعتمداری چندین هزار دانشجوی ایرانی روانه یار مغرب شده و در دانشگاههای "گفرا لودشان"

به تحصیل پرداخته‌اند؟ مگر وزارت علوم و آموزش عالی به آنها اجازه تحصیل در خارج را نداد موحتی در گرفتن پذیرش گنکان نکرده است؟ حال چگونه است که دانشگاههای ما که میتوانستند فرزندان زحمتگن را پذیرا باشند و اگر کارکنانی های آگاهانه آقایان نیانستند میتوانستند تعداد دانشجویان را به چند برابر افزایش دهند به بهانه "غریبی بودن" مکتبی نبودن استادان بیکی تعطیل گردد؟ آیا مسئولین حکومتی براسستی تصور میکنند که با این استدلالاتی بی محتوا قادر به فریب توده های آگاه و سبخواهانه میهن ما خواهند بود؟ آیا ایور تونیستهای "کمیته مرکزی" این راجم به حساب ندانم کار بیها و کز تهمینی های خرد و بورژوازی! میکند ارتش که بار دیگر سیاستی معا بر به منافع خویش را دنبال میکند؟ سیاستی که دانشگاه های ایران را تعطیل کند و تشنها بکسانی که توانائی مالی تحصیل در اروپا و آمریکا دارند اجازت تحصیل بپهره مندی از منافع آن رازرانی دارد؟ و عملاً تحصیلات عالی را برای فرزندان سرمایه داران بخواهد. شاید ایور تونیستهای توجیه گر با چنین توهمنی را در سر برورارند. والا توده های آکا دوسا رزها در مورد اینگونه سیاستهای طبقاتی آسکار توهمی ندارند. واقعیت اینست که دست اندرکاران امور، و از جمله شورای هفت نفره انقلاب فرهنگی، بهتر از هر کس دیگر به پوچی و بسای محتوائی این بهانه‌های عوامرفیعی آنها واقفند. آنها خوب میدانند دانشگاهها را برای آن تعطیل کرده اند که دانشگاهها سنگر آزادی است، مرکز افشارگری جنایات رژیم است، کانون پر شور مبارزات امپریالیستی زد موکراتیک است که دانشگاه "چشم رژیم" آریامهری را کور میکند است و "طبعا هر رژیمی که آزادی هارا سرکوب کند، که ن و کز د ک و پیر و جوان کرد را "بافیر خدا گونه" از زمین هوارا "بهر کار مسلح" بیندود و از منافع مسلح سرمایه داران دفاع کند، از دانشگاهی هراسد. چنین

رژیمی از روی جبار و به ناگزیر دانشگاهها را تعطیل می کند و رسوائی را جان می خرد و به انتظار روزی که "میخهارا کوبیده باشند و ارگانهای سرکوب منظم و آسکار و مخفی را انجام داده باشد می شنیدند و قیفا با درک این واقعیت است که جنبش دانشجویی باید با زکنا نسی دانشگاهها را در سر لوجه فعالیت های خود قرار داد و آسکار مرم ترین وظیفه خود در مقطع کنونی به حساب آورد. مبارزه برای بازگشائی دانشگاهها در حقیقت مبارزه ایست جهت کسب حقوق و آزادیهای دمکراتیک مبارزه ایست در جهت منافع کارگران و دیگر اقشار طبقات حلق و بیچین دلیل است که بعنوان مرم ترین فعالیت های دانشجویان در دستور جنبش دانشجویی قرار می گیرد. تا کنیکهای فراوانی می تواند در خدمت دانشجویان، استادان و کارکنان دانشگاه و همچنین نیروهای مبارز و نظای برای بازگشائی دانشگاهها قرار گیرد. تجمع دانشجویان و سایر نیروهای مبارز دانشگاهی در مقابل مراکز آموزش عالی و مراکز ثبت نام دانشجویان همرا با افشارگری وسیع و همه جا نبه ها و اعلان توطئه بستن دانشگاه ها و عمل عدم گنایسیست آن و همه جنبش حرکات سیاسی وسیع در سطح شهر و نظای امرات و حرکات موضعی بمنظور آگاه کردن مردم و بسیج و هدایت آن ها بخصوص خانواده های دانشجویان و نیروی عظیم جوانی که می بایست امسال بدانشگاهها بیا د از نا کنیکهایی است که می تواند در خدمت دانشجویان انقلابی و مبارز قرار گیرد. نیروهای انقلابی نیز نباید از وظایف و مسئولیت های خطیر خود در این رابطه غافل بمانند چه بازگشائی دانشگاهها تنها خواسته دانشجویان و دانشگاهیان نیست، و بسه منافع آنها محدود نمیشود، همه خلق های تحت ستم، همه افشار طبقه تیکه به لزوم مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته واقفند. همه کسانیکه اهمیت و گسترش حفسوق و آزادیهای دموکراتیک را درک می کنند و از همه مهمتر زحمتکنانی که باید دانشگاهها را در خدمتشان بازرگرفت در این مبارزه ذینفعند. دانشگاهها را با زکتم و درها پیش راه روی فرزندان زحمتگن بگذاریم.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشناز مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران

اعلام پشتیبانی

بخشی از کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب - پالایشگاه آبادان

بیش از نوزده ماه از قیام شکوهمند خلقهای میهنمان میگذرد. در این پیرو سطلی شده، بحرانی ناشی از سیستم سرمایه داری وابسته به بیشترین فشارهای اقتصادی را بدوش کارگران، دهقانان، زحمتکشان میهنمان وارد کرده است و این پیرو سطلی که از مدت قبل از قیام آغاز شده بود امروز عمق بیشتری یافته و زحمتکشان میهنمان را شدیداً در تنگنا قرار داده است...

گسترش رو بسد مبارزه طبقاتی وصف آرائی نیروهای مختلف اجتماعی با منافع طبقاتی متضاد در مقابل یکدیگر، بازتاب خود را در همه زمینه های سیاسی - طبقاتی بنمایش میگذارد. نمود بارز و مشخص این بازتاب را میتوان در تحولات درونی اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یافت که منجر به تولد مشی انقلابی این سازمان گشت. منافع طبقاتی متضاد که خود را بصورت تشدید تضادهای ایدئولوژیک - سیاسی نشان میداد صفت بندی نوینی را از مدت قبل در این سازمان بوجود آورد که منکب بدوینش اساساً متفاوت بودند. دو بینشی که یکی عینی و بیرولتزی و دیگری ذهنی و غیر بیرولتزی بود. "کمیته مرکزی" اپورتونیت حاکم بر سازمان بدون آنکه اساساً مبارزه ایدئولوژیک در عمل بهائی داده باشد با در اختیار گرفتن اهرمهای تشکیلاتی و نفی سانسراسیم دمکراتیک، نظرات اپورتونیتیست خود را در کل تشکیلات گسترش میداد.

اپورتونیت ها تا بدینجا پیش میروند که بازویا گذارن حقوق ارگان ها و توده های سازمانی، بجای آنها تصمیم میگیرند و مواضع بغایت انحرافی خود را در پیام ۸ تیر مندرج در کارگزار ۶۶، از طرف "کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب - پالایشگاه آبادان" طرح مینمایند. آیا "کمیته مرکزی" یا نویسندگان پیام به کارگران توضیح خواهند داد که چرا چنین کردند؟! برآستی بریستر چنین سیاستی، طبقه کارگر چگونه میتواند از هویت سیاسی - طبقاتی شخصی برخوردار شود و مستقل خود را بوجود آورد، آنها با پشت نمودن به سنتهای انقلابی و مبارزاتی گذشته، خونبار سازمان را به تبلیغ و ترویج سیاست سازش طبقاتی و تسلیم طلبی به سبب حزب خائن توده پردازان تبدیل کردند. گاهی هر چند گذر از حرکت اپورتونیت های "اکثیت کمیته مرکزی" از قلم همین باین سومه بود، گفتار ما است. کافیت ۲۲ شماره - کار - "کمیته مرکزی" نظری بیفکیم تا به زیر بارگامیستی راست روانه آنها برخورد نمائیم که همواره نشان دهنده دنباله روی از حوادث خود بخودی میباشد. کافی است در جامعه اتفاقی بیفتند تا یکباره ماهیت حاکمیت! (در حقیقت موضع "کمیته مرکزی") تغییر نماید...

کار ۵۹ شماره، بدری بود که "کمیته مرکزی" رویزیونیت در کار ۳۵ افشاند. تا ذهن توده ها و طبقه کارگر را مسموم سازد. کار ۵۹ - اوچی بریستی در تشکیلات، رشد رویزیونیت در ایدئولوژی و غلبه اپورتونیت در سیاست "کمیته مرکزی" میباشد. کار ۵۹ اعلام حمایت از هر دو جناح حاکمیت و بریدن از طبقه توده ها است. آری اپورتونیت های "کمیته مرکزی" در نیمه راه جاده پرفراز و نشیب مبارزه طبقاتی "هنر کنان" از نفس افتاده اند و به منجانب پراگماتیسم و اپورتونیتسم غلتیده اند. این حامیان دروغین طبقه کارگر تا بدینجا پیش میروند که با وجه المصلحت قرار دادن جنبش مقاومت خلق کرد، برای گرفتن امتیاز نشریه کار، دفعتر علنی آزادی زندانیان سیاسی هوادار سازمان به دیورژی آستان بهشتی، این منظور توده ها میروند.

"کمیته مرکزی" دیگر طبقه کارگر و خلقها اعتقادی ندارد. آنها میخواهند خلق کرد را راجع سلاطین کنند... "کمیته مرکزی" اپورتونیت یگزین بدون هیچ تحلیل شخصی شعار "برقرار باد حاکمیت خلق" را زینت بخش اعلامیه های سازمان مینماید و روز دیگر بهنگام تسخیر سفارت دگم های قشربون نفع و افضیات موجود آنرا حذف میکند. زمانی مصلحت حکم میکند و باید از دولت بازگان که گویا میتواند مدافع دمکراسی باشد در برابر ارتجاع قشری حمایت شود. روز دیگر بهنگام تسخیر سفارت دگم های قشربون نفع و افضیات موجود و در جهت پایگاه طبقاتی شان شکسته میشود. اندکی بعد با تجدیدنظر در شعار استراتژیک "مرکزگرایی امپریالیسم جهانی" به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و وابستگی داخلی و حذف "وابستگی داخلی" (هر چند از نظر اصطلاح "وابستگی داخلی" اپورتونیتیست است و وابستگی از اصطلاح پایگاه داخلی (مناسبات سرب

مابه داری وابسته) استفاده کرد) در انتهای شعار فوق، زمینه را برای اکتشاف سربسز "میزگرد و جدت" (اطلاعات با احزاب لیبرال و حزب خائن توده فراهم مینماید. عملکرد حاکمیتی که پس از قیام با قرائت گرفتن نمایندگان خرد بورژوازی مرفه سنتی در کناره بورژوازی وابسته (عدمتا متوسط) شکل گرفت، همواره نشان دهنده پشت نمودن آن به خواسته های برحق توده ها و جدائی توده ها از آن میباشد. حاکمیتی که از همان فردای قیام در مقابل توده ها موضع میگرد و ارتش آمریکائی با زامانده از رژیم سابق را که همین آهوفتوای برهبران سازشکار و متزلزل، از تعرض توده ها مصون مانده بود برای سرکوب خلقهای کرد و ترکمن و عرب گسیل می داد، حاکمیتی که شورا های کارگری، دهقانی و سربازی را سرکوب کرد، ص بیکاران و صیادان بندر انزلی را به گلوله بست، خوانین و فئودال ها را در مقابل دهقانان ستم دیده که در صورت مسلح نمودن آنها

دانشجویان قهرمان را وحشیانه سرکوب کرد، آزادیهای سیاسی و اجتماعی را لگدمال نمود، بهترین فرزندان خلق را ناجوانمردانه به جوخه های اعدام سپرد و ساواکبهای خونخوار را عفو کرد و به بازسازی ارتش سرکوبگر و سیستم بوروکراسی پرداخت و بجای تحقق نیازهای اساسی و میبرم توده ها، گلوله توپ و تانک نثارشان کرد، از دید اپورتونیت های "کمیته مرکزی" این قهرمانان بازگشت باصول!! حاکمیتی ملی و مرفقی "است!...؟! از دید "کمیته مرکزی" اپورتونیت، حزبی که بنام توده ها علیه توده ها و بنام مردم مردم برضد مردم و بنام طبقه کارگر بر علیه طبقه کارگر عمل میکند، حزبی که راه رشد غیر سرمایه داریش همان راه رشد سرمایه داری وابسته است، ضد امپریالیست و ترقیخواه!! میشود.

ما بخشی از "کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب - پالایشگاه آبادان" ضمن محکوم نمودن مواضع ایدئولوژیکی - سیاسی - تشکیلاتی اپورتونیت های کمیته مرکزی قاطعانه از مواضع انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران حمایت نمود و در حد توان خود سعی در گسترش هر چه بیشتر مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی خواهیم کرد.

نا بود با دجبهه فرصت طلبان و سازشکاران هر چه مستحکمتر با صفوف رزمنده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بخشی از "کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب - پالایشگاه آبادان"

سال تحصیلی جدید و... بقیمت صفحه ۲

استادان مبارزان انقلابی را بجرم مبارزان در مقابل اقدامات ضد انقلابی هیئت حاکمه میدان دادن به ضد انقلاب و هموار کردن زمینه برای سرکوب و اختناق بیشتر است.

وظیفه دانش آموزان، دانشجویان، معلمین و استادان مبارزان انقلابی است که با تمام نیرو در برابر سیاستهای ضد دمکراتیک و ضد انقلابی ایستادگی کرده و در جهت بازگشائی دانشگاهها مبارزه کنند.

ضد انقلاب همچنان خواهان تعطیل دانشگاههاست. اما نیروهای انقلابی تسلیم زورگوئیهای ضد انقلاب نشده و پیگیرانه برای بازگشائی دانشگاهها مبارزه میکنند.

برای پیروزی در این امر همگاری و اتحاد عمل نیروهای انقلابی امری ضروری است. بدون همگاری نزدیک و اتحاد عمل نیروهای انقلابی تلاش در این زمینه بی ثمر است.

دانشجویان انقلابی و مبارزان را در سازمان در همان حال که پیگیرانه از طریق همگاری نزدیک و اتحاد عمل با سایر نیروهای انقلابی مبارزه خود برای بازگشائی دانشگاهها ادامه میدهند، باید جدا با عوامل نفوذ حاکمیت در جنبش

دانشجویی یعنی سازمانها و گروههای نظیر حزب توده و اردوستان "سه جانی" که بمشابه ستون پنجم هیئت حاکمه عمل میکنند مبارزه نموده و آنها را از جنبش دانشجویی طرد کنند. اما در باره هواداران "کمیته مرکزی" سیاست اصولی و درست اینست که بشرط پذیرش سیاستهای انقلابی ما در این مورد با آنها همکاری کنیم، علیرغم اینکه

آگاهیم، ادعای رهبران شان در مورد بازگشائی دانشگاهها، تنها بمنظور فریب هواداران است و سیاست آنها تا ثید اقدامات حاکمیت میباشد، اما بمنظور افشای هر چه بیشتر آنها، این سیاست را پیش میگیریم. دانشجویان مبارزان انقلابی میهنمان برای بازگشائی دانشگاهها باید از مناسب ترین تاکتیکها استفاده کنند، مثلاً با تجمع در مراکز اصلی شهرها، بحث با زکشائی دانشگاه را وسیعاً بدرون توده ها برده، سیاستهای ضد انقلابی هیئت حاکمه را در این مورد افشاء میکنند و حمایت توده ها را بدست می آورند. باید از شیوه های مختلف

توضیح شفاهی و نیز پیش تراکت و اعلامیه استفاده کرد. در مراکز مختلف شهرها دست بحركات موضعی زده و مردم را به حقانیت خواسته های خود واقف می کنند به تعداد زیاد دبیران مود دانشگاهها، مراکز عالی آموزشی، جمع شده خواستار بازگشائی دانشگاهها میشوند.

شرکت خانوادہ دانشجویان در مبارزه بخاطر بازگشائی دانشگاهها بسیار موثر است. دانشجویان باید یکوشند تا با استادان انقلابی و مبارزان در این زمینه همکاری نزدیک داشته، جلب حمایت دانش آموزان و برقراری همکاریهائی نزدیک با آنها، امری ضروری است.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

# محاكمه محمد رضا سعادتى توطئه ديگرىست عليه نير وهاى انقلابى

پيام سازمان چريکهای فدائی خلق ایران

## به خلق زحمتکش کرد و خانواده

★ کاک قاسم معروفی  
و  
★ کاک ابوبکر آرمان

"اکثریت کمیته مرکزی" را افشاء می نمود و برای جبران عقب نشینی "اکثریت کمیته مرکزی" که به دروغ نام فدائی برخوردنها ده اند و برای نشان دادن خط مشی انقلابی فدائیان واقعی دربار سازى سازمان در کردستان به فعالیت چشمگیری می پرداخت. وی یکی از مسئولین نظامی سازمان در کردستان بود و سرانجام در ساعت ۴/۵ روز ۵۹/۶/۱۸ در اثر اصابت گلوله خمپاره به سنگرش شهید شد.

رفیق کاک ابوبکر آرمان از پیشمرگان قهرمان سازمان بود که در یکی از روستاهای حوالی بوکان متولد شد و پس از زنجیرها و مشقت های بسیار مدتی پس از قیام به پیشمرگان جنبش مقاومت خلق کرد پیوست. وی رفیقی زحمتکش و بسیار پرشور بود و از اولین پیشمرگانی بود که پس از اشغال به جناح انقلابی سازمان پیوست.

رفیق کاک ابوبکر همواره با زبان ساد و سلیطت خود از مواضع اقلیت باز گو میگردید و می گفت: "چگونه دولت" خلفی و ضد امپریالیست مردم محروم کرد را بسیاران می کند. رفیق کاک ابوبکر همواره همزیم قهرمانان در روز ۵۹/۶/۱۸ در راه آرمان زحمتکش سراسر ایران شهید شد.

بدون شک زحمتکش کردستان خاطر ما این رفقا را هرگز از یاد نخواهند برد و خلقهای زحمتکش و ستمدیده سراسر ایران به زودی به فریبکاری و دروغ های حاکمیت پی خواهند برد. راه پر فروغ و خونین طبقه کارگر و خلقهای جهان راه پرشکوهی است که زنان و مردان انقلابی با عزمی آهنین و اراده ای پولادین و ایمانی خلل ناپذیر در این راه گام بر میدارند.

بدون شک در این راه سخت و طولانی پیروزی از آن طبقه کارگر و زحمتکشان است. این را سر نوشت همه مبارزات خلق های جهان نشان داده است.

درود به همه شهدای بخون خفته خلق جاودان باد خاطر فدائیان شهید کاک قاسم معروفی و کاک ابوبکر آرمان

گسترده باد پیوند جنبش مقاومت خلق کرد با جنبش سراسری خلقهای ایران به رهبری طبقه کارگر

تا بود با دامپریالیسم جهانی بسرگردی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
شاخه کردستان  
۵۹/۶/۲۱

جنبش انقلابی خلقهای ایران همواره تا همدردی با کارکنان و زحمتکشهای مردان و زنانی بوده که در راه آرمان بر افتخار بیولتا ریا و زحمتکش جهان مبارز کرده و شهید شده اند. در این راه فدائیان خلق با اعتقاد دیرینه در سرخ راهی کارگران و زحمتکشان در راه دمکراسی و سوسیالیسم یعنی راهی که بشریت را از فقر، کرسنگی، جنگ، فحشاء، نجات میدهد همواره مجسرت و فداکاری بی نظیری از خود نشان داده و میدهند.

در جنبش مقاومت خلق کرد نیز فدائیان خلق همراه با پیشمرگان نیروهای انقلابی و ترفیخواه شرکت نمودند و فعالانه عمل کردند و شهید شدند. تا جاییکه خاطر شهیدانی چون رفیق یوسف کشی زاده کارمزرگی بیانی، یعقوب نقدبری، درکنسار شهیدانی چون کاک قواد سلطانی همواره در خاطر نوده های محروم خلق کرد باقی ماندند و با پیوستن می ماند. شهادت رفقای فدائی در جنبش مقاومت خلق کرد که جزئی از جنبش ضد امپریالیستی- دمکراتیک خلقهای ایران است همچون برگهای زرینی خواهد بود که در تاریخ جنبش کمونیستی ایران ثبت خواهد گردید.

دولت جمهوری اسلامی که مدعی دفاع از "مستضعفین" می باشد در ماههای اخیر نتایج گسترده ای را علیه خلق زحمتکش کردستان آغاز کرده و در این راه از هیچ حیاتی فروگذار نگذرده است. بسیاری از روستاها و جاها، کشتن زن و بچه مردم، اعدام جوانان انقلابی و حتی پیر مردان و روحانیون کرد، آتش زدن خرمن ها، خراب کردن خانه های مردم زحمتکش و از بین بردن گاو و گوسفند روستائیان نمونه ای از اقدامات این حاکمیت است که مدعی "ضد امپریالیست" بودن میباشد.

در روزهای اخیر در جریان درگیری پیشمرگان قهرمان خلق کرد با سداران و ارتش ضد خلقی در راه بانام سردشت ۲ نفر از فدائیان خلق رفیق کاک قاسم معروفی و رفیق ابوبکر آرمان در راه آرمان طبقه کارگر و زحمتکشان جان باختند.

رفیق کاک قاسم معروفی در سال ۱۳۲۹ در شهر مها با دم تولد شد و طی زندگی سراسر مبارزه اش همواره از منافع زحمتکش و خلق های محروم ایران دفاع مینمود و از اولین کسانی بود که به صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست و در یورش های دولت جمهوری اسلامی به خلق کرد در کنار مردم محروم در عملیات نظامی شرکت مینمود. وی یک فدائی پاک با خنوبیک پیشمرگ پر جسارت بود. در جریان اشغال در درون سازمان وی فعالانه علیه خط مشی سازشکارانه "کمیته مرکزی" مبارز مینمود. وی بارها به مردم میگفت که "اینها که راه سازش در پیش گرفته اند فدائیان نیستند. اینها بدروغ نام فدائی برخورد نهادمانند کاک قاسم همواره خط مشی اپورتونیستی

مورد منوعیت فعالیت گروهها و سازمانهای سیاسی را زیر و نهاده سازی، جعلیتهای مات و تشکیلاتی دادگاههای مسخره فرمایشی تا اعدام نیروهای انقلابی، این است روشهایی که هیئت حاکمه در امر مبارزه با نیروهای انقلابی و مترقی برگزیده است.

محاكمه بجمهوريةاسیادتی عضو سازمان مجاهدین خلق ایران که سالها در دوران رژیم شاهنیردر زندانها و شکنجهگاههای آریا مهری سربرده است با تمام واهی جاسوسی برای شوروی کرده دیگرست از این نمایش مسخره رژیم جمهوری اسلامی.

رژیم جمهوری اسلامی که فعالیت سیاسی مجاهدین خلق را مغایر منافع و خط مشی خود تشخیص میدهد، در پی زمینه سازی برای ممنوع کردن فعالیت

این سازمان است. آنها مات شرم آور اخیر رژیم علیه رهبران این سازمان بنام شرکت در کودتا و تخلف با بختیار نیز صحنه دیگری از توطئه های هیئت حاکمه است.

سردمداران جمهوری اسلامی میکوشند که با محاکمه محمد رضا سعادت و طرح اتهامات واهی، در حقیقت سازمان مجاهدین خلق را به محاکمه بکشند و بدین طریق زمینه را برای ممنوع کردن فعالیت سیاسی آنها بطور رسمی فراهم سازند.

ما محاکمه محمد رضا سعادت را ادا مسی سیاست های سرکوبگرانه و ضد دمکراتیک هیئت حاکمه علیه نیروهای انقلابی دانسته و بشدت آنرا محکوم میکنیم.

رژیم جمهوری اسلامی که سلب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی را بعنوان وظیفه طبقاتی مقدس! و شرعی! خود در دستور قرار داده است و ممنوعیت فعالیت است و گروهها و سازمانهای انقلابی را مبرم ترین وظیفه ضد دمکراتیک خود میداند به هزاران توطئه، فریب و دسیسه متوسل میشود تا با این اعمال تنگن خود جا مه عمل باشد.

افدا ما تاخیر هیئت حاکمه علیه سازمانهای انقلابی و مترقی و ممنوع کردن فعالیت آنها، در حقیقت و روشنگری رژیم جمهوری اسلامی را نشان میدهد. رژیم که تنها راه حکومت کردن و تداوم حیات نظام سرما به داری را در برقراری ختانی و سرکوب یافته است

تنها رژیمهایی که از مردم هراس دارند از مبارزات خدا میریالیست توده ها بیمناکند و مرک خود را در این مبارزات می بینند به سیاست سلب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی، بسیاست سرکوب سازمانهای انقلابی و مترقی روی می آورند.

رژیم جمهوری اسلامی که بیش از پیش ما هیئت خود را برای توده های مردم افشا کرده است در اجرای سیاستهای ضد مردمی و ضد دمکراتیک خود به هر شیوه ای متوسل میشود تا این وظیفه مقدس خود را انجام دهد، از حمله قاتلانهای حزب الهی به توده های مردم دفاع ترسای، کتاب، فروشی ها تا اطلاعهای بی دربی حکام شرع در

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر